



اول شهریورماه ۲۵۳۹ شاهنشاهی
 ۷ رمضان ۱۳۹۷ هجری
 ۲۳ اوت ۱۹۷۷ میلادی
 سه‌شنبه

مذاکرات مجلس شورای ملی

صورت مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی روز سه‌شنبه (اول) شهریور ماه ۲۵۳۹ شاهنشاهی

- ۱ - قرائت اسامی غائبین جلسه قبل .
 جمشید آموزگار .
 ۲ - ادامه مذاکره در برنامه دولت آقای دکتر
 ۳ - تعیین موقع جلسه آینده - ختم جلسه .

جلسه فوق‌العاده مجلس ساعت ۹ صبح برباست آقای عبدالقادر ریاضی تشکیل شد

- ۱ - قرائت اسامی غائبین جلسه قبل .
 جهانبانی - ضرابی - نشانی - وحیدی - هاشمی -
 رئیس - اسامی غائبین جلسه قبل قرائت میشود .
 ۲ - ادامه مذاکره در برنامه دولت آقای دکتر
 جمشید آموزگار .
 (شرح زیر خوانده شد)

آقایان : آشوریان - آصف - دکتر ابوالهدی - اسکندری - اعظمی - امیر عشایری - اهری - بارکزی - بنکدارپور - بنی‌احمد - بهیانی - بهره‌مند - پزشکیور - جندقی - جوکار - دکتر چهارزی - حجتی - حیدرزاده - خزیمه - ذوالفقاری - دکتر رئیس - رئیس اردکانی - رهبر - سرهنگ‌زاده - سعادت قدس نیا - صدیق زاده - سلیمانی - شریعت - شهبازی - مهدی شیخ‌الاسلامی - رحیم‌شیخ‌الاسلامی - صدر - نوذرصادقی - عطائی - غلامرضا غضنفری - فرمان - فلاح مقدم - قاسمی - مجتهدی - محمد خانلو - مشیر - معززی - منصوریان - مهرزاد - میرلاشاری - دکتر نصیری - وزیری - یاسینی - هاشمی - کریم بخش سعیدی .

بانوان : اباصلتی - داودی - افشارجعفری -

وارد دستور میشویم برنامه دولت جناب آقای دکتر جمشید آموزگار مطرح است آقای دکتر امیری تشریف بیاورید .

دکتر فرزاد امیری - جناب آقای رئیس همکاران محترم به انگیزه تشکیل این اجلاس هیئت دولت را مخاطب قرار داده و بالطبع از جناب آقای نخست‌وزیر شروع میکنم جناب آقای دکتر آموزگار شرف صدور فرمان همایونی خطاب بشما مبنی بر تشکیل کابینه مسلماً غرور انگیز ترین حوادث زندگیتان بوده و مبین حسن ظن رهبر عالیقدرمان بر لیاقت و شایستگی تان ، من صدور این فرمان، اعزاز این سمت و حصول این شایستگی را تبریک گفته و آرزو میکنم خداوند توفیق این عنایت فرماید (احسنست) مجری خوبی بر اجرای نیات بلند و مترقی و تابناک رهبر اندیشمندان ، جوابگوی این حسن ظن ،

فرزند برومندی برای مام وطن و خدمتگزاری فعال برای ملت ایران باشید و یکایک افراد کابینه تبریک گفته و الحق انتخاب شایسته‌ای در مورد یکایک بعمل آمده است اینروزها در تمام محافل و مجالس سخن از این شایستگی است و من خودم که باعهده‌ای از نزدیک افتخار همکاری داشتم و باعهده‌ای هم در مسیر سیاسی مملکت آشنا شدم بر این امر صحه می‌گذارم و موفقیتشان را آرزو می‌کنم امید است در ترکیب و اشتراك مسئولیت‌ها هم این شایستگی بکار آید اما جناب نخست‌وزیر اذعان می‌کنم که کار شما در این برهه از تاریخ بس خطیر است زیرا همانگونه که اشاره شد از یکطرف در پیشگاه شاهنشاهی که در اندیشه مملکت حتی لحظات را هم بخدمت می‌گیرید و مردم ایران مسئولید از طرفی شما بعد از دولتی آبدید که سیر قهقرا نداشته منتهم بکم کاری نبوده یا خدای نکرده خیانت نکرده تا سقوط کند و شما مأمور آبادانی خرابه‌های برجای مانده شوید تا کارتان جلوه کند شما وارث کرسی صدارتی هستید که در حساس ترین شرایط زمان مجری خوبی برای نیت تابناک رهبر مملکت مان بوده و خدمتگزار مات، اکنون هم در بهترین موضع مملکت افتخار خدمتگزاری دارد و مورد عنایت آن رهبر، ترکیب کابینه شما هم بجز یک نفر که همه از همکاران کابینه اجرائی و حزبی ایشان هستند سوید این سعادت شایسته است در این مکان از خدمت چند ساله این خدمتگزار و همکاران شان قدر شناسی گردد که ما اینکه شما هم با من هم عقیده اید و در اولین جلسه حق مطلب بجا آوردید امید است آنچنان خدمت کنید تا روزیکه مأمور خدمتگزاری در سنگری دیگر شدید. قضاوت خوب مردم بدرقه راهتان باشد پس با توجه بدین دونکنه شما و همکارانتان موقعیت خاصی دارید و باید کاری بس بزرگ ارائه دهید که با توجه بسابقه یکایک یقین دارم بخوبی از عهده بر نیائید (صحیح است) با امید آینده‌ای که بشود در این خصوص قضاوت کرد برنامه‌ای که تقدیم مجلس کردید بسیار رسا، همه جانبه، بلکه ایده‌آل است بهمه نکات توجه شده بخصوص که اعلام شده اجرای اصول انقلاب اصل برنامه است به صداقت و صراحت اشاره شده از آزادی قلم و بیان یاد شده تذکر به مشارکت مردم داده شده یادآوری شده که امیری از مردم پوشیده نخواهد بود در تمام فصول از رشد و بهبود و ترقی سخن آمده پس حق است کمی تأمل کنیم و فرصتی بدویم و پس از گذشتی از زمان در این خصوص بحث شود و نمایندگان که ناظر بر اجرای کارها باند در آن

زمان کارها را با این کارنامه قیاس نمایند و اگر تذکری بر نکته‌ای لازم بود گوشزد گردد چون اکنون جمله بسیار زیبا، عبارت بسیار و مفصل بسیار منظم و عالی تهیه شده و شما هم که بسیار عالی گفتید اگر عالی هم عمل کنید آنوقت مملکت آباد میشود و ملت در رفاه و خاطر مبارک رهبر مملکت هم که فقط در اندیشه این دو هستند خرسند میشود و ثمره این کار نامه هم رضایت بخش، با تمام تفصیلات نکاتی را که جنبه پیشنهاد و ارائه طریق است بیان میکنم در این مجموعه اعلام شده رقم واردات ما ۳۲ برابر صادرات غیر نفتی ماست که پایه برابری ۳۵ میلیارد ریال است یعنی ما ۳۱ برابر ۳۵ میلیارد ریال عقیبیم یعنی ما صرفاً مصرف کننده‌ایم و اگر خداوند ماده‌ای بنام نفت در زیر زمینهای این مملکت بودیم نمی‌گذاشت و اگر خداوند رهبری اندیشمند و داهی بما ارزانی نمیداشت که حتی با خطر انداختن جان و هستی خود این ودیعه را آنچنان شایسته در خدمت مردم نمی‌گرفت ما پامال بودیم اکنون با رهبری صحیح پله‌های نردبان ترقی را یکی پس از دیگری طی میکنیم که حتی مورد رشک و حقد و حسد دیگرانیم و آهنگ اینرا داریم که در ردیف چند کشور مترقی اول جهان قرار بگیریم و باید هم قرار گیریم از طرفی هم طبق نظر کارشناسان این ماده پایدار نیست و روای تمام است و زمانی هم از گردونه خارج میشود پس ما باید دو کار اساسی انجام دهیم ۱- چیزی جایگزین نفت کنیم که در کشاورزی و صنعت و معدن این کار امکان پذیر است ۲- کاری کنیم که از واردات بکاهیم و صادرات بیفزاییم بطوریکه این نمودار عکس گردد برای کم کردن واردات اولاً این سؤال پیش می‌آید که آیا همه اینها لازم و ضروریست بعقیده من نه شما در این جزوه متذکر شدید و همچنین در بخشنامه‌ای که خطاب بمسئولان اجرائی صادر کردید جلوگیری از افراط و اعمال صرفه‌جویی را کاملاً در نظر داشتید دستور دادید از پیشنهاد هزینه‌های تجملی و غیر ضروری که خود موجب پیدایش روح فساد است قویاً اجتناب شود آیا آنکور کیلویی ۹۰ تومان و توت‌فرنگی کیلویی ۸۰ تومان و گلابی فلان قدر، عروسک، ماشین کوکی و سگ‌پویی و غیره از ضروریات است؟ خیر اگر اینها نباشد آید هم از آب تکان نمی‌خورد ولی اگر باشد و سوسه انگیز است و فساد آفرین، جناب نخست‌وزیر! اگر در مملکت بضوریات توجه شود و از تجملات کاسته شود و از مسابقات فخر و شوی جلوگیری شود نمایی و برخ که این زر و زیور و ظواهر ارزشی

کم گردد و بمعنویات و حیثیات و ارزشهای انسانی و علم و دانش توجه شود و معیار سنجش انسانها بجای آویزه‌های سنگین و گسترده سرفه‌های رنگین و شکم بارگهای بی‌جا و دکوراسیونهای نایجادوفینه‌ها گنجینه علمیشان بکار آید آنوقت وارداتمان منحصربه‌چیزهائی خواهد شد که برای استحکام زیربنای اقتصادی و حفظ و حرارت این زادبوم بکار می‌آید برای اینکار یعنی برای کم کردن واردات و افزایش صادرات برای جای گزین کردن درآمد نفت برای مبارزه با تورم، برای مبارزه با فساد، برای تنبیه خائنین برای تشویق خادمین، برای بالا بردن سطح کارآئی برای بالا بردن درآمد سرانه جهت گسترش عدالت اجتماعی برای عملی کردن فلسفه اقتصاد دیمکراتیک و دیمکراسی اقتصادی برای بهره‌وری از منابع طبیعی برای حفظ تعادل و توازن برای ارشاد محصلین برای ارائه خدمات رفاهی برای رفع تنگناها و همه و همه که باید از نیروی مردم کمک گرفت و بس و استفاده صحیح از این نیرو هم به آموزش نیاز دارد حتماً لازم نیست تماماً کلاسیک هم باشد آموزش کلاسیک لازم است ولی تنها راه نیست بلکه آموزش در همه سطوح و با صداقت، و با آموزش صادق و صحیح ایمان کامل هم ایجاد می‌گردد که با تلفیق ایندو میشود همه این کارها را انجام داد و عملی هم هست شاهنشاه آریامهر تشریف فرما شدند به کرمان نمایندگان استان کرمان افتخار شرفیابی داشتند شاهنشاه در پایان فرمایشاتشان فرمودند به حوزه‌های نمایندگی تا بیشتر بیروید درامثال این امر یقین دارم همه نمایندگان مجلسین اگر حوزه انتخابیه‌شان می‌گذارند یا میرویم بین مردم در شهر و روستا هر جا که آنها باشند در دست، دردمن، سر خرمن، در دروازه، لب‌جوی، زیر درخت، در مدرسه، در مسجد، در درمانگاه و با آنها بگفت و گوی نشینیم (احسن است) راستی چه لذتی دارد نصاحتشان چه صفائی چه صداقتی چه ذکاوتی مردم بهمه چیز هم آگاهند و در هر موضوعی بحث مینمایند من به نقض و کمال آن کار ندارم میدانم که میدانند حتی از اسراریکه سعی فراوان در سری بودن آن شده با خبرند ای بسا از صنایع ناباب که در کمینند حقایق را وارونه هم دریابند پس اگر آموزش به بینند صحیح و هر جا که هستند داخل یا خارج و اگر در جریان باشند آنطور که هست و اگر آگاه شوند آنطور که باید آنوقت این دانستن در اجرای صحیح است و مردم همراه دولتی هستند که از آن خود میدانند و در دفع معضلات میکوشند و عمل میکنند آنچه لازمست و کنار می‌گذارند و دور میریزند و کنار

می‌گذارند آنچه غیر ضروریست آنها در همین جلسات نیازمندیشان را بازگو میکنند البته همه چیز میخواهند راه، برق، اسفالت و غیره ولی در سرلوحه آنها مدرسه است اگر مدرسه ندارند، میخواهند، اگر کوچک است، بزرگش را میخواهند، اگر دبیرستان دارند دانشگاه می‌خواهند، اگر دانشگاه دارند، تکمیلش را میخواهند، حق هم دارند، زیرا رشد فکری و توقع شان در اثر رشد و ترقیات مملکت بالا رفته، نیازمند آموزش اند و آماده دریافت حقایق و هم بوطن شان بزرادگاشان به خاکشان علاقمندند مگر نه اینکه رنشا شاه کبیر سستی از خاک وطن را بعنوان یادی از وطن به همراه بردند پس باید محیط آموزش مساعدی فراهم آوریم که جوابگوی این نیاز باشند باید دانشگاههای ما مرکزی باشد که بدین ندهای وطن پرستانه‌ای که از لابلای تار و پود قلوب مردم برمیخیزد جواب مثبت بدهند و رسانه‌های گروهی و انتشارات ما آنچنان باشد آتش میهن پرستانه‌ای که در دل این ملت شعله و ر است شعله و رتر کنند در این گفتارها و شنیدن‌ها و قتیکه بحث از برنامه‌های دولتی حتی برنامه عمرانی ملموس میشود مردم با دیده بدبینی نگاه میکنند و بی‌دبی جواب می‌گویند و یا اگر از این دریچه هم بنگرند بای تفاوتی از کنار قضیه می‌گذرند البته ایجاد این روحیه قدمتی بیش از یکسال و دو سال و دمسال پنجاه سال دارد و ریشه‌های کهن که اغلب ضعف حکومت‌های مرکزی و بدی وضع اقتصادی آنها و سرباری دولتیان برگرد ضعف مالی مردم و وعده‌های دروغین و عمل نشده موجه آن بوده که بالطبع همه گونه نامطلوبی هم بیار آورده وظیفه دولت است که این مرض خطرناک بی تفاوتی را معالجه کنید دواى علاج هم صداقت شما و راستی و درستی و بحساب گرفتن مردم و قراردادن آنها در جریان کارهای مختلف مملکت است شما نباید ترس داشته باشید که مردم از تنگناها باخبر شوند بلکه باید ترس داشته باشید که از زبان شما شنوند و بشنوند از هر راه که باشد و از هر مغرضی که در کمین است پس چه بهتر قبل از دیگران و قبل از اینکه یک کلاغ را چهل کلاغ شود و وارونه گردد مسئولین امر مردم را در جریان حقایق حتی اگر این حقایق تلخ باشد و ناگوار بگذارد مطمئناً مردم در آزمان فاصله بین خود و مسئولین امر حس نکرده و دولت را از آن خود دانسته و در غم و شادایش شریکند و در اعتلای وطن از جان خود مایه می‌گذارند کما اینکه بهنگام احساس خطری برای مملکت بارها اینکار را کردند و نتیجه‌اش هم مطلوب بود میدانید همین مردم بی تفاوت در مقابل دولت‌ها در پیشگاه شاهنشاهی که خود را از ملت

جدا نمیدانند چه احساسی دارند مردم که شما ومن وماهم جزو آنان هستیم عقیده دارند تمامی ملت ایران تشکیل یک خانواده را میدهند بنام خانواده ملت ایران و یک پدر بر این خانواده حکومت میکنند که آن شاهنشاه آرپامهر هستند بنام شاهنشاه پدر تاجدار از این رهگذر درس بگیریم (احسن):

رئیس - آقای فرهنگ بیکوند بفرمائید.

فرهنگ بیکوند - جناب آقای رئیس، همکاران ارجمند هیئت محترم دولت:

برنامه دولت جناب آقای دکتر جمشید آموزگار که بساحت مقدس مجلس تقدیم و در فاصله چند روز از جانب نمایندگان ملت مورد مطالعه دقت و موشکافی واقع گردیده دارای خصوصیات است که خوشبختانه دربرگیرنده خواستههای عمومی - بی‌گیری و تکمیل برنامه‌های انقلابی دولت گذشته در اجرای صحیح انقلاب شاه و ملت و توجه و اقدام بر رفع تنگنای ناشی از سرعت در پیشرفت‌سالیهای اخیر کشور است. نکته بسیار قابل توجه وجود معنویت در برنامه دولت با عنوان دلپذیر و امیدوار کننده «صداقت و صراحت» است (صحیح است).

حیف است گفته نشود که کلیات و فصول برنامه دولت متضمن و نمودار بسیار گویایی است از پیشرفت افتخار آمیزی که در دوران انقلاب شاه و ملت نصیب کشور و ملت ایران گردیده و طبعاً یادآوری است تا در این ایام ماه مبارک رمضان همراه همه مردم ستایش کنم و خدای رادعا گو باشم در برابر شاهنشاهی که فروغ اندیشه‌هایش برای این ملت افتخار آفرین بوده و امروز در راهی قدم میگذاریم که بیخ و خم‌های ناشی از سرعت و پیشرفت را در حرکت دیگر و با تلاشی افزون رفع کنیم و باز این مسئولیت ملی و حساس بشخصیتی سپرده شد که خود در تمام این مدت سهمی بسزا در اجرای فرامین شاهنشاه داشته و همواره به شایستگی خدمتگزار راستین شاه و ملت بوده است و کثیری از همکاران و شایستگان که در این دولت و دولت قبلی دوشادوش در خدمات دیروز، امروز و فردا همراه و کوشا نام ببریم و به نیکی یاد نمائیم از خدمات ارزشمند جناب آقای امیر عباس هویدا که ۱۴ سال شبانه‌روز معتقدانه به شاه و ملت خدمت کرد و تمام خدمتگزارانی که در این مدت و در این مسیر کوشنده بودند کلیات برنامه دولت و فصول مختلف آن بصراحت جملات و کلیات جوابگوست خواسته‌های مردم را ولی همانگونه که دیگر دوستان بارها تأکید نمودند من نیز برای مورد تأکید دارم که این برنامه‌ها انشاءالله بعمل درآید بر حدرباشیم

مقرر میفرمایند (از آنجا که افزایش نامعقول بهای زمین نه تنها عامل مهمی در بالا رفتن بهای ساختمان و اجاره خانه بوده بلکه توزیع غیر عادلانه درآمدها بدون ارتباط با فعالیت‌های واقعی تولید نیز گردیده است - و از این رو تشییع نسبی بهای زمین بعنوان اصل هیجدهم را اعلام فرموده‌اند).

پس تشییع قیمت زمین باین معنی که قیمت‌های فعلی ثابت باشد نیست بلکه اتخاذ سیاست‌های لازم و کسب مجوزهای قانونی که در متن فرمان مقرر گردیده بمنظور برگرداندن این افزایش نامعقول تا حد معقول و آنگاه تشییع و افزایش نسبی و معقول سالیانه حداکثر تا میزان تورم: مشخص است نتیجه استفاده در امر تولید از سرمایه‌هایی که باینصورت از گردش ناموجه و بی‌بندبار در بخش ساختمان‌سازی لوکس و بساز و بفروشی کاملاً تجاری اگر بشود تجاری هم گفت زیرا تجارت بهر صورت باید سود متعادل و منطقی داشته باشد که بر سایر امور اقتصادی و عمومی و اجتماعی لطمه وارد نکند (صحیح است).

اینگونه خاکبازها را میخواند گفت لاتاری یا قمار منتها بدون باخت!! که طرف بازنده بهر حال اکثریتی از هموطنان ما هستند - مضافاً اینکه اینگونه درآمدهای نامعقول در همه شیئون اثر نامطلوب ایجاد میکند و از جمله بر روی معنویت‌های اجتماعی و ارزش‌های علمی - تأثیر در ایجاد گرانی بی‌رویه و غیره - و آنگاه حمل این بولهای بی‌حساب از مردم دریافت شده به بازارهای خارج و وارد نمودن چمدان‌هایی پر ولی بی‌برکت و بی‌لخرجی‌های بسیار بی‌مورد عده‌ای در خارج از کشور و ریختن ریالهای این کشور بجنب همانهایی که جناب نخست وزیر فرمودند او خاموشی برق ما خوشحالی میکنند و بجای اینکه تکنولوژی نارسای برخی از شرکت‌های خود را مسخره کنند حس حسادت آنها را باین مسخرگی‌ها و امیدارمن از این مکان مقدس از خواهران و برادران هموطن تقاضا میکنم تا به پیروی از نیات بلند پایه انسانی فرمانده کشورمان که رهبرها و اندیشه‌هایش چنین افتخاری نصیب مملکت نموده تا کسانی که بچشم حقارت در گذشته‌های دور ما نگاه میکردند امروز به حسادت گرانیده‌اند - مشارکت اصولی - متفکرانه و ملی در همکاری و همراهی با دولت و برنامه‌هایش داشته و هیچ جای این کشور عزیز را با بازیاترین نقطه دنیا عوض نکنیم: بجای آنکه امکانات خود را در اختیار دیگران قرار دهیم تا وسائل تفریحی و خدمات رفاهی بخود

ما عرضه کنند - همین امکانات را در داخل خاک مقدس قابل پرستش کشورمان بکار بریم و آنچه را که میخواهیم بطور دائم خود و در میهن عزیز خویش فراهم آوریم - تا آن زیبایی و آسایش در حمایت اصالت‌ها و ارزش‌های ملی و فرهنگی ایران زمین ارزنده‌تر باشد (احسن).

لذا در مورد مسکن که گره کور آن قیمت بسیار بیجا و ظالمانه زمین است و موجب مهمی در ایجاد تورم - انتظار و توصیه بدولت چیزی جز اجرای دقیق و عمیق فرمان شاهنشاه در اصل هیجدهم انقلاب نیست که با تفصیل و تفسیر فرمان در قالب قانون - زمین از شکل یک کالای تجاری خارج و بحال طبیعی برگردانده شود: و با امکاناتی که فراهم خواهد آمد هم هر خانواده ایرانی امکان تهیه مسکن و یا اجاره محل مناسبی را بیابد و هم این همه ثروت و ارقام نجومی در جهات مولد و مطمئن بکار گرفته شود - در این کشور و در سایه عنايات خداوندی که چنین رهبری مطمئن را بما ملت ایران ارزانی داشته مملکت در راه پیشرفت و ترقی و تحولات شگرف اقتصادی در کمال امنیت و ثبات از هر جهت مقتضیات فراهم آمده: دولت برای اجرای جذب سرمایه‌ها در کار تولیدی بایستی روشی اتخاذ نماید که مبتنی بر تضمین سود عادلانه متکی بر اعتماد و ثبات در سرمایه‌گذاری باشد با داشتن برنامه و سیستم کافی برای این منظور نه اینکه تصور بشود با تغییر وزیر و مسئول برنامه نیز تغییر مینماید آنگاه حمایت و سیاست ارشادی نسبت به تولید با اقتصاد سالم و عرضه با سود مناسب بمصرف کننده بدون آنکه تحمیل و یا اجحافی ممکن باشد - کوتاه کردن دست دلالان و حرفه‌ای‌ها در زمین و مسکن و باندهای سودجو و چپاولگر - جناب آموزگار رفع و دفع شر مسئله زمین از سراققتصاد کشور به یکباره مصرا مورد تقاضا است:

دوم

عنوان و تأکید این مطلب که در مقابل بالغ بر ۱۶ میلیارد دلار ارزش واردات فقط نیم میلیارد دلار ارزش کالاهای غیر نفتی صادراتی کشور است نمایانگر مشکلات بازرگانی رشد مصرف - وعدم انطباق و توازن آن با تولید داخلی - با این حساب تا وقتی که وضع برای پایه است وزارت بازرگانی را بشود وزارت واردات نامید: البته واردات هم فرق دارد بسیاری از واردات ضروری است و اجتناب ناپذیر و تمام برای برنامه‌های کشور و بسیاری دیگر غیر ضروری و نه

فقط موجب خروج ارز از کشور میشود بلکه سبب بی‌بندبازی اقتصادی - لطمه به طبیعت تولید و رواج تن پروریها و ایجاد بازارهای دلالی - احتکار و غیره - که در روزگار فعلی اقتصاد ما بزرگترین دشمن اقتصاد ملی بحساب می‌آید - آنچه که برنامه دولت نشان میدهد و مردم ایران و جهان آگاهند امروز ملت ایران - درد گرسنگی ندارد - دردیکاری ندارد - دردی پولی ندارد دردهائی که باید تنگنای ناشی از سرعت در پیشرفت خوانده شود درد ولخرجی - درد پرخوری - لوکس گرایی - از این قبیل است که نتیجه، آن مشکلات اقتصادی - من نمیدانم اگر برای مصرف داخلی موز و آناناس و پرتقال - و اشیاء لوکس خارجی و اسباب بازی و وسائل آرایش زنانه و بسیاری بنگل‌های دیگر وارد نشود چه کسی از میان ملت ایران از سیاست بازرگانی دولت گله‌مند خواهد شد؟ و آیا وارد کردن عمین میوه‌های ناب موجبات تقلیل در تولید داخلی فراهم نمیکند؟ و آیا بهتر نیست مخارج مرتب بر واردات غیر ضروری را بمصرف تکثیر تولید داخلی برسانیم - ملت ایران که بشهادت تاریخ بارها و بارها نشان داده که در مواقع حساس آمادگی فداکاری در خد ایشار در راه اعتلای شاهنشاهی و ملیت را دارد - بسادگی میتواند از اینگونه تبدیها و بی‌بندوباریها بپرهیزد بیاید در سیاست بازرگانی خود همان شکیبائی مورد نظر جناب نخست‌وزیر را از مردم بخواهید و مطمئن باشید چون با صداقت است مردم پذیرا خواهند شد. و این حذر از اسراف و تبذیر را که بالاخره روزی و از جانی باید شروع کنیم از حذف ورود مواد غیر ضروری باشد مسلم مردم باین امر راضی هستند - اینکار موجب نمیشود تا کمبودهای مصرف را در داخل، خود بفکر تولید باشیم و نتیجه اولیه تکثیر و تولید در داخل، کشور و قبول قوت و نان زحمت خویش و از محل تولید ملی اقتصاد سالم هر کشوری آنچنان اقتصادی است که متکی بر نیروی کار و تولید ملی باشد و ثروت‌های خدادادی پشتوانه اقتصاد طبیعی و ملی - برنامه شایسته دولت در جهت کاهش نسبی اتکاء به درآمد حاصل از صادرات نفت از طریق رشد بخش‌های تولیدی دیگر و ایجاد درآمدهای مالی و ارزی جایگزین - کاملاً مورد تأیید و پشتیبانی ملت ایران است: و در این راه باید وسیله جذب و جلب هرگونه مشارکت لازم و کمک منطقی و عادلانه به درآمدها بعمل آید - تا هم اقتصاد کشور روال عادی خود را بیابد و هم به تعدیل درآمدها کمک شود - بدیهی است آنکس که بیشتر بهره‌میرد باید درآمد بیشتری برای

خزانه کشور عاید نماید - چه آنکه در سایه امنیت - ثبات و امکانات این کشور است که همه این مواهب آماده میشود و اداره این وضع و مخارج آن با سستی تأمین گردد و الا میشوید - بگرویه‌بند و بده بدست من پهلوان - ایران امروز در سایه رهبری توانا بدرجه‌ای از اعتلا رسیده است که همه گونه امکانی دارد و محتاج به هیچ خارجی نیست فقط نیاز به همکاری مردم در مشارکت داخلی دارد - کدام ایرانی غیر تمندی است که با سردر مقابل این دعوت لبیک نکوید (صحیح است) این مشارکت تولید کشاورزی - کار ثمربخش کارگر - تولید صنعتی و سرمایه‌گذاری سرمایه‌گذار صداقت و امانت کارمند - ایمان و انصاف کاسب - کوشش و فداکاری استاد و معلم هم بستگی و آگاهی دانشجوی و دانش‌آموز عزیز و بالاخره احساس مسئولیت خانواده‌ها در پرورش و تربیت و بسیاری از اینگونه موارد است - که ارائه برنامه‌هایی بمنظور ترویج ایمان و باور لازم و ممکن است - و بی تفاوتی و بی‌من‌چه‌ها محکوم و گناه است و محتاج به حداکثر تلاش در این راه هستیم و دولت و وکیل و موکل وزن و مرد ایرانی در زیر چتر حزب رستاخیز ملت ایران و در چارچوب اصول مقدس آن همگام و همصدا در اینجا از بازرگانی سخن بمان آید و لحظه‌ای روی سخن با وزیر جدید بازرگانی است در دانش تخصصی و ایمان و لیاقت ایشان شنیده‌ام و البته این خصوصیات در دیگرانی هم وجود داشته و دارد ظاهر آموستقا حضور جناب ایشان در دولت شیوه‌ای پسندیده در اجرای سیاست سپردن کار مردم بدست مردم و مشارکت مستقیم بخش خصوصی در سیاست بازرگانی است. تصور میکنم تعهدی سنگین در مقابل ایشان است و نتیجه بسیار حساس که در اینجا بخش خصوصی چگونه خود را نشان دهد و چه جواب مناسبی برای شاهنشاه دولت و ملت داشته باشد - بخصوص کمیته‌هایی که ظاهراً ۳ نفر از مدیران معتبر بخش خصوصی قسمتی از آنها را تشکیل میدهند از جناب وزیر بازرگانی جدید بعنوان مشاور وزارت توجه و دقت رایبشتر نموده امیدوارم امانت و صداقت لازم را اثبات و قضیه اطاق اصناف و نرخ‌گزاریهایی اینگونه مسائل پیش نیاید و از این امتحان سربلند بیرون آیند - و بیاد داشته باشند که در قبول مسئولیت طرف دیگر هم که اکثریت مردم هستند حضور و نقش دارد - این مختصر را باید گفت تا چه شود و چه نتیجه‌گیریها و فضاوت‌های مردم را در پی داشته باشد. باعث خوشوقتی است که در فصل سیاست‌های

اقتصادی در برنامه دولت به توسعه شبکه راههای فرعی و روستائی توجه خاص شده است: توسعه شبکه راههای فرعی و روستائی ضرورت قطعی دارد به جهت آنکه بدون ارتباط اینگونه راهها براههای اصلی نقش واقعی و بازدهی مورد نظر ممکن نخواهد شد و بسیاری از ضایعات کشاورزی و نقصان در خدمات روستاها فقط بعلمت این کمبود است: در این زمینه سخن بسیار است که بخش کوچکی را باختصار متذکر میشوم:

راههای روستائی در این میان سهمی نسبتاً قلیل را در قالب طرحهای خاص ناحیه‌ای دارد که برای رفع نیاز روستاها بهیچوجه کافی نیست و اصولاً اصل اعتبارات خاص ناحیه‌ای که وسیله انجام عملیات و امور عمرانی در روستاها و شهرهای کشور با اثراتی ملموس و مورد توجه مردم مناطق دور دست است چنانکه باید رقم قابل قبول و عادلانه را تاکنون نتوانسته بخود اختصاص دهد و هرگاه که در این باره صحبت شد معاذیر عدم امکان جذب اعتبار عنوان گردید که من نمیدانم منطقی حکم میکند امکانات اجرایی متناسب و تقویت گردد و یا اعتبارات محدود در این میان تقصیر مردم چیست؟ و سهم خدمات روستاها - بخش‌ها و شهرهای کوچک و دور افتاده کشور در توزیع عادلانه خدمت و سرویس چرا باید دچار نقصان شود؟

لذا توجه به توسعه راههای روستائی بمنظور ایجاد امکانات لازم برای روستاها و جلوگیری از ضایعات از ضرورت‌های حتی است و در درجه دوم فراهم نمودن وسیله نگهداری از اینگونه راهها بوسایل ممکن.

این نکته نیز باید گفته شود که بسیاری از طرحهای خاص ناحیه‌ای در سال جاری تاکنون بعلمت تأخیر در تخصیص اعتبار شروع نشده و ۶ ماه تمام از بهترین فصل سال بهدر رفته امید است تیرتیمی داده شود که نحوه کار بشیوه‌ای باشد تا امکان شروع اجرای اینگونه اقدامات عمرانی از اردیبهشت ماه هرسال ممکن شود.

جناب آقای نخست‌وزیر در اینجا نکته‌ای بنظرم رسید که بعرضتان میرسانم و آن مربوط به چند جلسه‌ایست که جنابعالی در مجلس و در برنامه دولت تشریف داشتید بدون اینکه قصد نفی ما عدا داشته باشیم برای اینکه جناب نخست‌وزیر در گذشته هم کمال روابط حسنه را با مجلس و مجلسیان داشته‌اند و این نکته برای بنده بعنوان یک نماینده بسیار قابل توجه است که رئیس

دولت از آغاز شروع جلسه و از دقیقه اول برنامه دولت تا آخرین دقیق، ساعتها از نیمه شب گذشته در مجلس نشستند و حتی برای چند دقیقه یا چند ثانیه هم صندلی خود را ترک نکردند و بدت بگفته‌ها و بمسائل نمایندگان توجه کردند و این روش جناب نخست‌وزیر بسیار پسندیده است (صحیح است) و دلیل آن است که جنابعالی موقعیت و مکان و محل خود را بخوبی هم تشخیص میدهید و هم اعتقاد دارید و باعث خوشوقتی است و شعله‌های تازه‌ای است که انشاءالله دریافته ادامه خواهد داشت این روش بخصوص از نظر این دوستانی که برای اولین بار بوزارت تشریف آورده‌اند نمونه‌ای است و نشان‌دهنده‌ای است که جناب نخست‌وزیر کاملاً توجه دارند و همه دولت و حتی مجلسیان و هر کس دیگری راشوق خدمت بیشتر و توجه بیشتر میدهند نمایندگان عصر رستاخیز جناب نخست‌وزیر کمال آمادگی را دارند تا در سنگر اول رستاخیز در کمال جدیت آنچه که همکاری لازم است بعنوان اعضاء معتقد حزب با دولت بنمایند و این توجه را از جنابعالی در ورود بمجلس و شروع کارتان بفال نیک میگیریم و باین مناسبت بشما احسن گفته و تبریک می‌گویم توفیق خدمتگزاری بیشتر برای شخص جنابعالی و عموم اعضاء دولت و همه خادمین به شاه و ملت را از خداوند متعال مسئلت دارم. (احسن است)

رئیس - آقای دکتر بقائی یزدی تشریف بیاورید.
دکتر بقائی یزدی - با کسب اجازه، پیش از آنکه آغاز سخن کنم برای جلوگیری از هرگونه سوء تعبیری از کلام لسان‌الغیب حافظ شیرازی استعانت می‌جویم:

ما نگوئیم بدو میل به ناحق نکنیم
جامه کس سیه و دلخ خود از زرق نکنیم
رقم مغلظه بر دفتر دانش نکشیم
سر حق با ورق شعبده ملحق نکنیم
عیب درویش و توانگر به کم و بیش بد است
کار بد مصلحت آن است که مطلق نکنیم
گر بدی گفت حسودی و زبانی زنجید
گوتو خوش باش که ما گوش باحمق نکنیم
حافظ از خصم خطا گفت نگیریم بر او
و بحق گفت جدل با سخن حق نکنیم
(احسن است)

پیش از آنکه بحث خود را در قسمتی از برنامه دولت شروع کنم لازم میدانم قبلاً مخصری در اطراف اصول حکومت خود و حکومت مشروطه سلطنتی مطالبی بعرض برسانم زیرا بطوریکه در ابتدای برنامه دولت است

زیرساز این برنامه اصول انقلاب شاه و ملت است، ما در حکومت خود، دوستان عزیز، به اصل بزرگ داریم، یک اصل امیل و قدیم و دو اصل جدید، اصل امیل و قدیم نظام شاعنشاهی ایران است که با ۲۰۰ سال تاریخ از نفوذ معنوی عظیم و نیروی بزرگی برخوردار می‌باشد (صحیح است) این نیرو پشتوانه استقلال و تکیه‌گاه ملت ایران در ادوار مختلف تاریخ بسوده است و بعد از این نیروی عظیم معنوی از بسیاری از تنگناهای بزرگ تاریخ، این ملت عبور کرده است و مسلماً با عنایت این مقام از این تنگناهای کوچک فعلی به سهولت عبور خواهیم کرد، منتها از خداوند بزرگ مسئلت می‌نمایم که بمان شایستگی را عنایت فرماید که از این نیروی عظیم در رل کارهای بزرگ و منافع بزرگ ملت ایران بهره‌برداری کنیم و آنرا از گزند حوادث مصون و محفوظ نگهداریم، اصل دوم ما قانون اساسی است و این قانون که در حقیقت مادر قوانین در حکومت مشروطه سلطنتی است و حافظ و حامی آن شخص شاهنشاه می‌باشند (صحیح است) قانونی است که همواره بایستی پیش روی نمایندگان مجلس و امنای دولت باشد با اینکه همه ممکن است فکر کنیم چون قانون را خوانده‌ایم و میدانیم ولی اظهار فکری برای هربشری لازم و واجب است و من در این مورد توصیه می‌نمایم که چه دوستان مجلس و چه ارکان دولت همواره این قانون مقدس را مکرر مطالعه نمایند و انشاء الله توفیق داشته باشیم که در تدوین قوانین و راه ورسم مملکت داری کوچکترین انحرافی از موارد این قانون نشود. اما مسأله سوم، اصل سوم انقلاب شاه و ملت است که برنامه دولت براساس آن بی‌ریزی و طرح ریزی شده است، در برنامه دولت جمله زیبایی دیدم که نوشته بود مبنای فلسفی انقلاب شاه و ملت استقرار اقتصاد دموکراتیک و یا استقرار اقتصادی بر پایه دموکراسی است با آنکه این جمله از هر حیث کامل است ولی در این مبنای فلسفی با دو کلمه راه حصول اقتصاد دموکراتیک را بایستی بیان کرد و آن روح انقلاب شاه و ملت بوده است یعنی تعمیم عدالت و مبارزه با هرگونه استثمار طبقاتی و من امروز قصد دارم در اطراف این دو مبنای فلسفی صحبت کنم، تعمیم عدالت آنچه پادشاه ما از ابتدای سلطنت تا کنون مکرر در بیانات خود بیان اشاره فرموده‌اند و تا کنون برای استقرار آن برقع بیعدالتی‌ها زحمات بسیار کشیده‌ایم ولی نمی‌توانیم ادعا کنیم که عدالت کاملاً مفهوم واقع در شئون مختلف استقرار یافته باشد. تعمیم عدالت بنظر من دارای دو اصل اساسی

و کلی است یکی توزیع عادلانه درآمد و ثروت یعنی توزیع عادلانه قدرت اقتصادی و توزیع عادلانه قدرت سیاسی. توزیع عادلانه قدرت اقتصادی یعنی ثروت و درآمد، مفهوم آن این است که در کشوری که بسرعت بسوی تمدن بزرگ می‌رود توزیع مزایا و امکانات زندگی طوری باشد که هر کس بر حسب لیاقت و کاردانی خود بندگان اجتماع بهره‌برداری نماید، البته در برنامه دولت این استنباط را داریم که واقعاً با کمال صمیمیت و نیک نفسی که این جمله نوشته شده این کلمه از قلم افتاده است زیرا بسیاری کسان لیاقت و کاردانی را بفتح شخص خودشان بکار می‌برند و بفتح مملکت بکار نمی‌برند لیاقت و کاردانی باید در راه جامعه بکار رود و توزیع عادلانه درآمد و ثروت بر حسب لیاقت و کاردانی و قدمت اشخاص بفتح جامعه باید باشد ولی متأسفانه باید گفت که بسیاری از عوامل اقتصادی و برنامه‌ریزی ناشی از پیشرفت سریع این توازن را بکلی بهم می‌زنند، ما میلیونرها چند شبه فراوان داریم کسانی را می‌بینم که امضای خود را بزور پائین چک می‌گذرانند ولی در حال حاضر صاحب میلیون‌ها و میلیاردها ثروت هستند (یک نفر از نمایندگان بجای امضاء انگشت می‌زنند) تعمیم عدالت در کلیه شئون یعنی فی‌المثل در امر بازرگانی باید تمام قوانین بازرگانی برای کلیه بازرگانان یکسان باشد مسئله وزارت و صادرات و سهمیه بخشودگی مساعدت، کمک کلیه قوانین برای صاحبان صنایع در یک سطح و بیک شکل عمل شود (صحیح است)

در امر مسکن اگر ما ببینیم در یک نقطه شهر، نازلی باده و پانزده اطاق به دو نفر تعلق دارد و در یک نقطه دیگر هفت نفر در یک واحد مسکونی ساکن هستند این قدری با عدالت فاصله دارد. جناب دکتر بسیاری تدابیر شهری در راه تأمین مسکن بنظر مردم غیر عادلانه بوده است. مسئله محدودده یک امر غیر عادلانه است ما بررسی کردیم و باین نتیجه رسیدیم که محدودده می‌توانست باشد ولی با شرایط و ضوابط خاصی که پای بی‌عدالتی بیمان نباید درست است که بر حسب صلاح یک جامعه ممکن است جمعی بفتح جامعه از هستی ساقط شوند ولی دلیل بر این نمی‌شود که برای مصلحت جامعه جمعی به میلیاردها ثروت دست یابند. اصولاً بایستی جلوی آنها را می‌گرفتند یعنی اگر کسانی را که خارج از محدودده هستند از هستی ساقط کرده‌اند باید اقلای آنها را که داخل محدودده بودند آنقدر مالیات وضع می‌کردند که این عدم

خواهند بود. من در اینجا پیشنهاد میکنم که در حزب یاد دولت سازمانی برای شناسائی ارزش اشخاص اعم از تحصیلی و تجربی بوجود آید و در موقع مقتضی برای استفاده دستگاه دولت اشخاص بعد رسیده اشخاصی که در حد وصول به آن مقام باشند در اختیار دولت گذاشته شوند، اگر کسی مقامی را دریافت کرد و مقامی رسید که استحقاق آنرا داشت خود شخص میداند که استحقاق ندارد و اولین فکری که برای او پیش می‌آید این است که در این مقام ثابت و ماندنی نیست چون استحقاق آنرا نداشته، لاجرم درصدد برمی‌آید که این نیرو و انرژی سیاسی را به انرژی مادی تبدیل کند بیک انرژی معتبر و مطمئن تری تا چنانچه برکنار شد سالهای بعد را با اطمینان بگذراند و اطمینان دارم یکی از منابع و مبانی فساد از استقرار اشخاص در پست‌های من غیر مستحق ایجاد میشود و ما اگر بخواهیم جلوی این آفت را بگیریم بایستی حتماً در تمام رده‌های اداری از هر نوع انتصاب بناحق اجتناب کنیم زیرا اگر فی‌المثل در روزنامه‌ای من غیر حق مدیر کلی درجائی بنشیند رئیس اداره‌ایکه خود را ذینفع تر میداند وقتی موفق نشود که حق خود را کسب کند دست بکار رشوه و ارتشاء و فساد اداری خواهد زد، تردید نیست، یا برای انتقام، یا برای تعیین وضعیت خود، از مبنای فساد همین عزل و نصب و گذاشتن و برداشتن‌های من غیر حق است من امیدوارم تعمیم عدالت در کلیه شئون دستگاه حکومت ما بطوری مستقر بشود و بطوری تعمیم یابد که بهیچوجه من‌الوجه‌هاز این پس فرصتی برای عدم رضایت هیچکدام از طبقات در پیش نباشد. و اما مسئله استعمار، عرض کردم یکی از موارد انقلاب شاه و ملت مبارزه بی‌گیری و محکم بر علیه استعمار بعضی طبقات نسبت به بعضی طبقات دیگر هست، اصل اول انقلاب، یعنی اصلاحات ارضی مبارزه‌ای بود بر علیه استعمار فئودالها نسبت به رعیت یا ارباب نسبت به رعیت و سهم کردن کارگران در سود کارگاهها جلوگیری از استثمار صاحبان صنایع نسبت به کارگران است اما دوستان عزیز همیشه در بطن هر انقلابی موج ضد انقلابی در حال تکوین است یعنی وقتی مبارزه با استعمار زامودجونی را برعهده‌ای ببیند عدده دیگری درصدد بر می‌آید که از راه دیگری به سود غیر عادلانه دسترسی پیدا کنند. این صفت بشر است و در هر اجتماعی دستجات سودجو و فرصت طلب بسیارند و مسئله زمین که امروز مورد بحث ما مورد توجه ماست و فرمان همایونی دایر

تعادل پیش نیاید مثلاً دو برادر یکی آنطرف خط محدودده دیگری اینطرف خط محدودده یکی صفر یکی صاحب پنجاه میلیون ثروت هر دو در یک شرایط، هر دو در یک وضع ولی باین تفاوت فاحش و حتی من در امر زمین و مسکن دیدم هر کس صاحب فضیلت بیشتری بود در این راه عقب افتاد و گرفتاری بیشتری داشت و فرصت نداشت که بکار زمین بازی بپردازد علی‌الاحوال صحبت از تعمیم عدالت بود و مسئله زمین بحث جداگانه‌ای است. مسئله توزیع عادلانه ثروت و درآمد دوستان عزیز ما امروز دارای درآمد سرانه سرشاری هستیم، هیچکس سربى نان بزمن نمی‌گذارد ثروت بقدر کافی در دست مردم وجود دارد ولی عدم رضایت، ناشی از توزیع غیر عادلانه ثروت است بقول یکی از فلاسفه اگر فقر بطور عادلانه تقسیم شود موجب رضایت است تا ثروت بطور غیر عادلانه (آفرین) یعنی توزیع ثروت غیر عادلانه بمراتب عدم رضایت بیشتر تولید میکند و این فقر نسبی بقول علماء علم الاجتماع، ارکان اجتماع را ست مینماید من برای توضیح این مسئله باید عرض کنم که ممکن است من صاحب خانه و اتوموبیل و دارای ماهی ۱۰ هزار یا ۲۰ هزار تومان درآمد باشم ولی وقتی بدانم یکی از افراد بیسواد و فوق‌العاده عقب افتاده همشهری من در عرض مدت ۱۰ سال صاحب اندوخته‌ای هزار برابرش شده است مسلماً من از این توزیع غیر عادلانه ناراحت میشوم و ناراضی هستم و تا زمانی که این کار بسامان نرسیده و مسلماً طبقه روشنفکر، استاد و معلم، دانشجو و دانش‌آموز و کلیه حقوق بگیران در برابر چنین درآمدهای غیر منصفانه ناراضی و پویشان خواهند بود (احسنت) مسئله دوم توزیع غیر عادلانه قدرت سیاسی است که بنظر من با توزیع غیر عادلانه ثروت تفاوتی ندارد بلکه بمراتب مضرت‌تر و در بعضی مواقع دارای ضرر وزیانی بیشتر است توزیع غیر عادلانه قدرت سیاسی یعنی تفویض قدرت اداری و اجتماعی بکسانی که غیر مستحق میباشند یعنی مدارج لازم را طی نکرده‌اند و از تحصیل کافی برخوردار نمی‌باشند و بطور کلی به حد درک آن مقام نرسیده‌اند. خوشبختانه امروز که من این مسئله را طرح میکنم نخست وزیر ما مردی است که تمام این مراحل را با زحمت بسیار و باینش کافی و حتی تا پای جان گذرانده‌اند تا باین مقام رسیده‌اند اما اگر تشخیص ارزش اشخاص برای درک مقام به مسئله شناسائی و روابط موقوف بشود و همیشه عده کثیری از شخصیت‌های لایق و افراد کارآمد بایوس و محروم

براصل ۱۸، ۱۹۹ است مسئله زمین یکی از بزرگترین وسایل استثمار صورت دستجمعی بوده است من محاسبه کرده ام برای یک قطعه زمین موات که بصورت ارث برای یک فتودال زاده مانده است استثماری که بوسیله یک قطعه زمین در ظرف ۵ سال دربارفسه هزارنفر رواداشته بیش از استثماری است که پدراننش در طی ۵۰۰ سال انجام داده اند و بیست و سی نفر کشاورز را استثمار کرده بودند در حالیکه اوبفاصله ۵ سال ۳ هزار نفر را پاندازه ای استثمار کرده که اندوخته چندین سالش را تأمین کرده بایک سند معمول و در حقیقت سند بی اساسی که نه یک مورد بلکه موارد متعددی از این قبیل را سراغ دارم از نظر من ام الفساد نامیده می شود مفاسد عدیده ای دارد که شاید هرگوشه بنظر دوستان رسیده باشد ولی متأسفانه چون من باجماعتی از این طبقه زمین باز و بساز و بفروش تماس داشته ام و بنام امورو رموز کار آنها واقف هستم، البته تمامشان هم آدمهای بدی نیستند یکعده ای هم هستند که زمین را خریده اند و بقیمت عادله فروخته اند ولی یکعده ای بودند که صرفاً اراضی ارزان را برای گران شدن خریده اند و اینها اصلاً سه دسته اند یکی زمین بلژان مطلق دوم زمین بازان بساز و بفروش و سوم بساز و بفروش های زمین باز که اینها هم بدو دسته سالم و ناسالم تقسیم میشوند و خطرناکترین آن بساز و بفروش هایی بودند که زمینها را متری ۱۲ تومان خریدند و با کشیدن برق و آب به متری هزار تومان فروختند و این سودش صد برابر بوده است که هیچ سرمایه گذاری در هیچ کجای دنیا این چنین درآمدی و بازدهی نداشته است و این کار مفاسدی دربردارد الان توجه بفرمایید من محاسبه کرده ام رشد ترقی کالاهای مصرفی ما از سال ۲۵ تا ۳۵ بطور متوسط سالانه طبق آمار بانک مرکزی هست و دو دهم درصد بوده و یکفتم بازار ده درصد بود که در ظرف ده سال صد درصد رشد قیمت داشته است ولی در مورد زمین بطور متوسط اراضی خارج و داخل محدوده پایین و بالای شهر از رشد ۲۰۰ درصد در سال برخوردار بوده که در ظرف ده سال دو هزار درصد داشته است و طبیعی است که این رشد غیر عادلانه در رشد کالاهای مصرفی میتواند مؤثر باشد و قیمتها را با خود بطرف بالا بکشد یعنی ما در تورم زمین است و بهیچ وجه قیمت زمین ارتباط اساسی با رشد کالاهای مصرفی نداشته است این یک نکته کاملاً مسلم و طبیعی است در صورتیکه ما اجازه بدیم کالایی که تولید شدنی نیست وارد شدنی نیست

یعنی نمیشود ساخت و از خارج وارد کرد بصورت احتکار آزاد، انحصار آزاد، و قیمت گذاری آن هم آزاد باشد من تصور می کنم اگر برای سبب زمینی و سیگار هم چنین وضعی برقرار بود سیگار هم هردانه ای به هزار تومان می رسید هیچ تردید نیست که زمین هم به متری یک میلیون تومان میرسید و با این وضع هیچ جای نگرانی نبود بخصوص که در همین موقعیت دولت خط مخدوده کمر بندی هم بکشد و بگوید از اینجا نمیتوانید بیرون بروید یعنی مجبورید این زمینی را که فلان کس احتکار کرده تعیین قیمتش هم بدست خودش است تو باید بیایی زمین را از کسی بخری که احتکارش آزاد نرخ گذاری بوسیله خود آقا آزاد، از خارج هم نمیتوانی وارد کنی و کارخانه هم تولید نمی کند که محصولش را زیادتر بکند عرض کردم مردم کن نزدیک تهران که کن قبل از تهران ایجاد شده و علی التحقیق زمان شاه اسمعیل صفوی وجود داشته و ورود شاه ظهاسب اول بکن بوده است و این منطقه تاریخی را شهرداری خارج از محدوده تلقی کرده است نزدیک خانواده ساکن کن پسری میخواهد داماد شود و آنها میخواهند اتاقی باتاقهای شان اضافه کنند و دولت اجازه ساختمان یک اتاق اضافی را نمیدهد و میگوید اگر میخواهید داماد ویا عروس بشوید بروید داخل محدوده و زمین متری ۵ هزار تومان بخرید و بسازید و بنشینید امکان دارد برای مصلحت یک قوم دیگر بیک قوم اینهمه زور گفت و ما هرچه گفتیم که کن بطور مستقل برای خودش زندگی کند و استقلال داشته باشد بصورت یک بخش دوره افتاده ترین نقاط این مملکت مثل تفت یزد که از تمام امکانات برخوردار هستند ولی کن نه آب دارد نه برق و هیچ چیز دیگر چون خارج از محدوده است اصلاح خارج از محدوده بصورت یک گناه کبیره درآمده یعنی از همه چیز ساقط شدن مردم کن چنان از خواسته های خود صحبت میکردند که واقعاً آدم متأثر میشد هرچه بانها گفتیم صلاح نیست که برای زیبایی تهران شما در همین حال بمانید اصلاً برایشان قابل قبول نبود بهر صورت مسئله محدود و مسکن در دامن توزیع غیر عادلانه ثروت و استثمار قابل تأمل و بررسی است ما جناب دکتر آموزگار پیشنهادهای مختلفی تهیه کردیم چه در حزب وجه در مجلس و بعضی را تقدیم کردیم و بعضی را تقدیم خواهیم کرد و توجه لازم را نسبت باین مسئله داریم چون یکی از مسائل حیاتی مملکت ما است و جربانی است که اگر به آن توجه

نشود تمام معنی به انقلاب شاه و ملت لطمه خواهد زد و من بسیار خوشوقت و سعادت مندم که در هر مرحله از زمانی که تکنمایی برای ملت پیش می آید یا انقلاب مادر معرض خطر قرار می گیرد شاهنشاه با صدور یک فرمان این مسئله را حل میفرمایند (صحیح است) و انقلاب را نجات میدهند اما عرض آخری که در برنامه دولت دارم مسئله تعمیم روح تعاون و همکاری بین تمام طبقات اجتماعی ما است بخصوص بین گروههای مختلف دولتی و بین دولت و بعضی گروههای مجری. مسئله اول جناب آموزگار اختلافی است که گاهی بین بعضی از واحدهای دولتی بچشم می خورد فرض بفرمایید ثبت اسناد یا شهرداری ایجاد یک گرفتاریهایی کرده اند یا وزارت آب و برق یا شهرداری یا وزارت آب و برق با یک دستگاه دیگر بنده عرض می کنم که سیاست دولت همیشه در این بوده و نمیتواند خارج از این باشد که برای رفع این عدم هماهنگی، بنظر من باید حتماً دستگاهی کنترل کند چون گاهی پیش میاید که مشکلات عدیده ای برای مردم ایجاد می کند یکی از مسائلی که بنظر من در آینده برای اعتلای سطح خدمت لازم و ارزنده است همکاری بیشتر از پیش و دوستانه ایست که باید بین مسئولین دولتی و نمایندگان مجلس وجود داشته باشد بنده بعرضتان میرسانم نمایندگان که اینجا نشسته اند یعنی نمایندگان عصر ستاخیز کلابرای کسب شرف و آبروی بیشتر باین ساحت پای نهاده اند بدهی است که برای کسب شرف و آبرو هیچ کس جز طریق صواب و صلاح نخواهد پیمود و بیستم که نظر باین بعضی از دوستان با تخصص ها و تجربیاتی که در مسایل اداری و بخش خصوصی دارند بسیار ارزنده و قابل تعقیق و قابل رسیدگی است و من از جناب عالی که همیشه با فضیلت کامل خواستار مطالب نوگوش شما به مسائل علمی و تجربی داشته اید خواهشمندم در این مورد مقرر فرمایید که کمال همکاری دوستی و مساعدت صمیمانه بین دوستان مجلسی و ارکان دولت جریان داشته باشد توفیق شما و همکاران محترمان از درگاه خداوند متعال خواهانم (احسنت).

رئیس - آقای نواب صفا بفرمایید.

نواب صفا - جناب آقای رئیس - همکاران گرامی

۱ - همانطور که در چند جلسه قبل و پیش از تعویض دولت جناب هویدا عرض کردم همه مادر هر موقع و مقامی که هستیم رفتنی هستیم و ماندنی بعد از خداوند بزرگ ایران است و ملت ایران و بکوری چشم دشمنان ایران نظام شاهنشاهی (احسنت).

۲ - هویدا که اگر وزیر دربار شاهنشاهی نبود راحت تر درباره او وسجایای او سخن میگفتم مردی است که نامش با کلمات شاه دوستی، وطنپرستی و انسان دوستی تقوا و درستی ثبت خواهد شد مردی است که با قاطعیت تصمیم میگیرد از مشکلات نمیرسد و انسانها را در هیچ زمانی فراموش نمیکند و باغم و شادی آنها شریک و سهیم میشود اجازه بفرمایید در مورد انسان دوستی جناب آقای هویدا توضیحی بدهم که عرایض مستند باشد سال قبل در چنین روزهایی در یکی از بیمارستانهای لندن بستری بودم و دواتر جراحی آتورت و نرسیدن خون مدت هشت ساعت و نیم به پاها، هر دو پایم فلج شده بود روزهای گرم لندن و فلج ناگهانی پاها روحیه ام را بکلی خراب کرده بود من و یسررم روزهای تلخی را میگذرانیدیم یک روز صبح پسر آمد و گفت آقای هویدا از شما احوالپرسی میکنند چون یک باردیگر هم توسط سفارت جویای سلامتی ام شده بودند گفتند از ایشان تشکر بکنید و بگوئید بحد الله بدنیستم و مشغول معالجه هستم بلافاصله برگشت و گفت نه پدر خود جناب آقای نخست وزیر میخواهند باشما صحبت کنند مرا با صندلی چرخدار پای تلفن بردند و دیدم جناب آقای - هویدا هستند و از من استعالت میکنند خدا میداند که چه روحیه ای در من ایجاد شد و چقدر در سلامتیم مؤثر بود ولی دواثر دیگر هم داشت یکی اینکه خارجی ها متوجه شدند که ما ملتی هستیم یک پارچه و متحد و با فرهنگ که نخست وزیر یک مملکت با همه اشتغالات ب فکر نماینده ملت است و دیگر اینکه پسرم فهمید مملکت بی حساب و کتاب نیست و اگر فردی خدمتگزار باشد و درستکار نخست وزیر مملکت در چنین لحظاتی او را از یاد نمیرد و روحیه وطنپرستی را در او القاء کرد (آفرین).

در دولت هویدا که پیش از ۱۳ سال با رستگین مسئولیت را بدوش کشید و خم برابر و نیاورد بیش از ۹ نفر بعنوان وزیر بنا با زاده شاهنشاه وارد شدند کسانی بودند که رسالت خود را بخوبی درک کردند و بدرستی انجام وظیفه کردند و کسانی هم که بادرستی و صداقت خدمت نکردند این قصور یا آن خدمت مربوط بخود آنهاست امروز انقلاب ایران و شاه ایران که مبتکران انقلاب است بهمه افراد ملت و بهمه استعدادها مجال خدمت میدهد اگر انقلاب ایران نبود هویدا ها و آموزگارا که از دل اجتماع برخاسته اند نخست وزیر نمیشدند که اگر رستاخیز نبود نه ما نماینده مجلس بودیم و نه شما وزیر بنا بر این برعهده است که خدمتگزاران

صادق و صمیمی باشیم که نادرستی نکنیم که دامن شرف و تقوا را از دست ندهیم ما بکسانی که در دولت هوردا خدمت کردند آفرین میگوئیم (احسنت) و بکسانی که راه نادرست رفتند تفرین میکنیم.

۳- جناب آقای آموزگار.

جناب عالی در مقامهای مختلف بخصوص در وزارت کشور که ما خود شاهد بی طرفی شما در انتخابات بودیم و در او یک که تحت فرماندهی مستقیم شاهنشاه با کمال غرور و سرفرازی وظائف خود را انجام دادید ناظر حسن خدمت و کاردانی شما بوده ایم امروز که بفرمان شاهنشاه انجام این وظیفه خطیر را در لحظات حساس تاریخ ایران عهده دار شده اید و اعتماد و اعتبار رهبر عالیقدر مملکت را پشتوانه کار خود دارید ما نمایندگان ملت ایران هم مسلماً شما و دولت شما با اتفاق آراء رای اعتماد خواهیم داد برنامه شما را هم خوانده ایم و منتظر میمانیم تا در این سنگرمه شاهد خدمات شما و دولت شما باشیم مادر فضای رستخیز و با طرز فکر شایسته دوران رستخیز از هیچگونه همفکری و همدلی مضایقه نداریم و چشم بر حکم و گوش به فرمان شاهنشاه هستیم اگر انتقادی میکنیم خالی از غرض است و نشان مجلس و شان مشروطیت و شان انقلاب شاه و ملت است.

ما همه بیک سو میرویم و به یک نقطه میگردیم منتهی با اندیشه های متفاوت که لازمه دموکراسی ملی ماست همان دموکراسی که آب و رنگ ایرانی دارد و در آب و هوای ایران بدست شاه ایران نشو و نما یافته است بنابراین نه از تعلق مبتعلقان حرفه ای که در همه جا هستند مفرور شوید و نه از انتقاد مردم دلسوز و راستگو که در همه جا کم یابند آزرده خاطر گردید.

۴- باید با کمال تأسف این حقیقت تلخ را بپذیریم که انقلاب اداری ما که شهبال انقلاب شاه و ملت است و در کنار انقلاب آموزشی قرارداد توفیقی نداشته است. دواصل وطنپرستی و پاکدامنی که باید از طرف کارمندان دولت رعایت شود و دو اصل تشویق و تنبیه توأم با بی غرضی و بی نظری که باید از سوی مدیران جامعه عمل بیوشد رعایت نمیشود. هنوز سرنوشت کارمندان را امضای یک وزیر تعیین میکند نه حسن خدمت و درستی و دانش و سابقه او. هنوز هر که متعلق تروجا بپلوس تر و وابستگی هایش با مقامات بیشتر است. بیشتر است. هنوز درستکار نسبت با آینده اش نگران و متزلزل است و نادرست با انباشتن مال و منال در مورد آینده اش مطمئن و بی خیال هنوز

برای رسیدن بمقام و منصب به وسیله ای متوسل میشویم بدون اینکه بقول هم آهنگ کننده جناح سازنده در مصاحبه بسیار مستدل و ارزنده خویش توجه داشته باشیم که مهم خدمتی است که انجام میدهم نه کلاهی که بر سر داریم. هنوز درستکار باید سزانش عیال و خجالت از روی اطفال را تحمل کند زیرا با حقوق ناجیزی که دریافت میدارد نمیتواند سربالاش راحت بگذارد و نگرانی گریه منزل و سایر پرداختها و افزایش سرسام آور قیمت ها جای آرام در دل غم پرورش ندارد. هنوز فکر ایام بازنشستگی موجب دلشکستگی است نه آرامش خاطر در باقیمانده عمر و هنوز متأسفانه شما در برنامه دولت بازنشستگان را جزء اصوات غریب رحمت بحساب آورده اید و آن ذره که بحساب نیامده آنان هستند یا بعبارت بهتر بازنشستگان کشتی شکستگی هستند که باد شرطه هم که عنایت دولت است به بادبان تلاشی شده آنان نسیم رحمتی نمیرساند. متأسفانه قانون استخدام رشته انتظام را در ادارات دولتی گسیخته است و گروه بندیهای غلط زنجیر بردگی برگردن کارمندان آویخته است. احراز شغل لازمه اش کاردانی است بنابراین هنگامیکه کسی رابه گروهی بالاتر میبریم بچه مناسب رتبه او را که ما به الذای عمر خدمتی و جوانی اوست باز میگیریم. اگر میتوانید بکسی عمر از دست رفته اش را باز بگردانید حق دارید که رتبه اش را نیز باز ستانید. همچنین است وضع بازنشستگان که با فرارسیدن زمان بازنشستگی باید حاصل تلاش را که خستگی است از تن بزدایند و با ادامه تربیت فرزند و استفاده ریحاندن از اندوخته تجربیات گرانبهائی که دارند خدمتی تازه را آغاز نمایند چرا نماینده برای بازنشستگان از سرمایه پر خودشان تشکیل بانک دهید تا بانک هم نظیر بانک فرهنگیان با فعالیت های اقتصادی خویش آینده ایشان را تأمین کند. در همه جای دنیا کارمندان هر دستگاهی ایام بازنشستگی را موجب استراحت و آسایش خویش میداند و در اینجا باعث نگرانی و پریشانی کارمندان ما هر قدر درستکار باشند در نیمه راه پایان خدمت متوجه میشوند که برای دوران پیری اندوخته ای ندارند لاجرم بسیاری از افراد مقاومت خودشان را در برابر فرشته تقوا رها میکنند و دامن اهریمن تا پاکی میآویزند انقلاب اداری بدون توجه به همه عرایضی که کردم میسور و مقصور نیست.

۵- واقعیت اینست که برنامه ریزهای ما با اندوخته ای از دانش بدون تجربه کافی و بدون لمس مشکلات

دستگاه های اجرایی موجب بسیاری از توقف ها و دیر رسیدن های ما بوده اند. درست است که آهنگ رشد ما سریع بوده است ولی باید قبول کنیم که برنامه ریزیهای مانیز کند یا بهتر بگوئیم لنگ بوده است برای مثال ما وقتی میخواهیم یک خانه بسازیم با توجه بپولمان برنامه ریزی میکنیم. آنوقت چطور میشود برنامه ریزی های ما که در برنامه پنجساله گذشته میدانسته اند چه کارهائی از جهت مسکن، راه، فرودگاه، مدرسه و بیمارستان و سایر تأسیسات داریم فکر نکردند که برای ایجاد این بناء و تأسیسات بچه مقدار سیمان و آجر احتیاج داریم که یا خودشان یا مردم چند کارخانه سیمان وارد کنند و چند کوره آجر پزی بسازند که مملکت دچار مضایقه ای بنام سیمان نشود. چطور میشود که در همه برنامه ها اینهمه اعتبار برای راهها خرج کرده ایم و هنوز یک اتوبان کامل نداریم و هنوز راه شیراز به تهران همان راه سی سال پیش است با قدری توسعه و تعویض چطور میشود وقتی میخواهیم کارخانه عظیم ذوب آهن اصفهان را بنا کنیم ب فکر راه آن نمی افتمیم که در نتیجه طی چندین سال این جاده تبدیل بقتل گاه نشود و آنقدر جانهای عزیز مردم و مهندسان جوان کارخانه که سرمایه های معنوی ما هستند تلف میشود تا بالاخره با هم اوامر ملوکانه سبب ساختن این راه میشود آنهم با مقداری تأخیر آیاسنول این جانهای به ذر زفته کسی نیست؟ پیشنهاد اینست که از این پس بخصوص در شهرهای صنعتی هر کارخانه ای که میخواهد ایجاد شود بموازات آغاز کار ب فکر ایجاد راه هم باشد. در مورد برنامه ریزی و عدم تمرکز سخن بسیار گفته شد من آنان گزارشی در دست دارم از دفتر برنامه و بودجه اصفهان که مسئول دفتر در جواب سؤال من فرستاده است او مشکلات کار خودش را چنین خلاصه کرده است.

۱- فقدان خطوط مشخص مسئولیت و پاسخ دهی در نظام اداری استان.

۲- فقدان علاقه و ایمان در بعضی از مجریان طرحهای این برنامه.

۳- بیچیدگی مقررات و بالاخره چند مورد دیگر درباره نبودن سیمان و آجر و مقاطعه کار و تغییر قیمت های پایه بعلت تأخیر در شروع کارها. من حرمم فقط در مورد همان سه قسمت اول است که شاید مشکل مملکتی هم باشد البته ما پیش از این یعنی در دوره استانداری آقای دکتر کیانپور همه بودجه های عمرانی مان را خرج کرده بودیم سولی است باقی مانده بودجه سایر استانها را هم بماداند و خرج شد چطور در استان ما هنوز خطوط مسئولیت و پاسخ

دهی روشن نیست و اگر علاقه و ایمان در مجریان نیست باید آنها را بیرون ریخت مگر میشود یک استانی را سه سال یا چهار سال معطل کرد آنهم با این بهانه ها مگر این وقتها و این پولها را میشود همیشه بدست آورد ما هر سال باصفهان میرویم و در یک همایش نمایش همین حرفها را میشنویم ما در اصفهان شکل برق داشتیم ولی با یک مدیریت صحیح و یک برنامه ریزی صحیح فقط در عرض یکسال بدست همین آقای مهندس رحمانی که فعلا رئیس توانیر است و گرفتار ندانم کاریهای دیگران شد. بهترین برق و بهترین نمونه مدیریت را در استان داشتیم اگر هم مسئولان اجرایی حرف حق میزنند چرا چهار سال است کسی بحرفشان گوش نمیدهد. آقای دکتر آموزگار نمیشود در این دوره تحول و سازندگی یک استان بزرگ و سهم مملکت را چنین تعطیل کرد. ما در موقعی که حرف از عدم تمرکز میزنیم و باید انجمن های ملی را تقویت کنیم از بودجه های آنان نیز میکاهیم.

۴- مشکل دیگر مشکلی است که شهرداریها دارند و برای مردم هم ایجاد مشکل میکنند آقای دکتر نصر شما که در دوستان بسمت استاندار خدمت کرده اید و مشکلات شهرداریها را هم میدانید بیائید با قاطعیت در مواردی که عرض میکنم تصمیم بگیرید. مشکل شهرداریها مشکل مالی و مشکل نیروی انسانی قابل میباشد و مشکل مردم اینست که نمیدانند با این شهرداریها چکار کنند. بطور مثال برای رفع مشکل ترافیک یا ایجاد فضای سبز یا مجموعه فرهنگی یا پارکینگ بناچار شهرداریها خانه ها و مغازه های مردم را خراب میکنند بدون اینکه پولی یا اعتباری برای پرداخت خسارت داشتند و از این رهگذر هزاران ناراضی برای مملکت میترانند و شاهنشاه هم هیچوجه راضی نیستند. پیشنهاد اینست که با استفاده از فرمان شاهنشاه یا بیائید یا گرفتن وام از بانکها طاب مردم را یک جا بدهید یا برای آنها در زمین های متعلق بشهرداریها یا زمین های ملی شده متناسب با وضع زندگی مردم خانه سازی کنید و گرنه بی جهت با عجله کلنگ برنارید و بجان خانه های مردم بیفتید این درست معایر سیاست مسکن است که فرمان شاهنشاه باید اجرا شود.

(نمونه مجمع فرهنگی اصفهان) مسئله سرمایه و پول ها و تعریف خیابان. مسئله دیگر مسئله روستاهائی است که در اثر توسعه شهر جزء شهرها شده عوارض شهرداریها را میدهند ولی شهرداریها قادر بدادن خدمت بساکنان این مناطق

نیستند برای این مشکل هم وزارت کشور باید فکراساسی کند.

۷- در مورد فرهنگ ملی که در برنامه دولت هم بان اشاره شده است از نقطه نظر نقش ادبیات و هنر در فرهنگ ملی مطالبی عرض میکنم فرهنگ های یک جامعه یعنی مجموعه ای از تاریخ، مصارف، دین، زبان، آداب و رسوم، معماری، صنایع دستی هنر ادبیات و موسیقی و غیره باتوجه و تاکید که شهبانوی فرهنگ پرورما برای من مهم دارند متأسفانه بعیر از وزارت فرهنگ و هنر که با جدوجهد و ذوق و شوق واستواری وظائفش را انجام میدهد وسازمان رادیو تلویزیون، بعضی از مطبوعات از رسالت خود غافلند و تیشه بر تیشه ادبیات و شعر و مویقی ملی ما که بر تارک فرهنگمان میدرخشند میزنند. بنظر من وزارت اطلاعات و جهانگردی وظیفه خود را در این مورد بدست فراموشی سپرده است و امیدم اینست که وزیر اطلاعات که خود از روزنامه نگاران فاضل و صاحب دل است و در دامان پدری وطنپرست و هنرمند تربیت گردیده است و هیچگاه روش متین خود را در کار مطبوعاتی و رسالت مهمش را از یاد نبرده و روزنامه اش را محل این ترک تازیها قرار نداده است باین آشفته بازار سرو صورتی بدهد. از بعد از اسلام تا با امروز که شعر و ادب دردی شکل گرفته است یعنی از دوره سامانیان یا از قرن سوم به بعد شعر و ادب ما که رودکی بنیان گذار آن بود و فردوسی که خ بلند زبان فارسی را بر آن بی افکند تا با امروز یکی از علل پیوند و وحدت ملی و قومی ما بوده است. اگر ما اقوام غالب را نظیر قوم وحشی مغول مغلوب و در خود مستحیل ساختیم تا جایی که جامه آدمیت پوشیدند و عناصری را مانند خواجه نصیر طوسی در کنف حمایت خویش قرار دادند و هنر پرورانی چون امیر علی شیر نوایی بوجود آمدند تنها و تنها به کمک فرهنگ ملی و درخشانشان بود که با پشتوانه ادبیات و شعر دردی و عرفان شیعی و تصوف صافی اسلامی تصحیف گردید وقتی بحاشیه کویر این سرزمین میرویم و در آنجا آثار گرانبار معماری ایران را از هزاران سال پیش در اردستان تأنین می بینیم و با هزار سال پیش مثل مغرب زمین و ینکه دنیا مقایسه میکنیم آنوقت است که بفرهنگ ملی خویش میبایم و بعلمت مسافرت های مکرر شهبانوی فرهنگ پرور ایران بحاشیه کویر واقف میشویم و آفرین بوزارت فرهنگ و هنر که در اجرای او امر شهبانو چنین پرشور به تعمیر و مرمت این میراث های بزرگ ملی پرداخته است وزارت اطلاعات و جهانگردی و وزارت

آموزش و پرورش و علوم عالی باید جوانان ما را باین فرهنگ و معارف آشنا کنند و اجازه ندهند که ستارگان قدر اول زبان فارسی مورد تمسخر و هتک حرمت کسانی که جوانان ما را میخواهند از فرهنگ خود دور نگاهدارند و آنها را نشناسند قرار گیرند. یکی از نقش ها و بازیهای استعمار سست کردن و بی پایه کردن بنیادهای اخلاقی و فرهنگی ملت هاست جوانی که ایران و فرهنگ ایران را بشناسد هرگز اغفال و سوسه های بیگانه نمیشود. اینست که از راه های گوناگون شعرها، ادبیات ما و موسیقی ما مورد تجاوز قرار میگیرد. جوان هرچه بی پایه تر باشد زودتر فریب میخورد گفتن شعر خوب لازمه اش آشنائی باشعر خوب است آشنائی باشعر خوب لازمه اش خواندن آثار ادبی بزرگان شعر و ادب است (صحیح است) و این آشنائی ملازمه اش داشتن سواد است ولی وقتی هر بی سواد شهرت طلبی خواست نویسنده وشاعر بشود و دید کارمشکلی است ناچار بایه شعر نوری میآورد یا با ملعبه و بدگویی به بزرگان شعر و ادب فارسی خود را بشهرت میرساند. و وسیله این شهرت هم صفحات بعضی از روزنامه هاست. اینجاست که وزارت اطلاعات باید نقش ارشادی داشته باشد. و اینجاست که وزارت آموزش و پرورش باید نقش پرورشی و آموزشی خود را ادا کند. شاه در ادبیات فارسی از زمان رودکی که با سرودن غزل (بوی جوی مولیان آید همی) امیرنصر راز را بیخارا کرد تا با امروز نقشی درخشان داشته و نامش از ادبیات جدا نبوده است ولی به بینید که یک نوپرداز شعری درباره شاه و درباره وطنش که هرچه دارد از او ست سروده است؟ به بینید سرودها و ترانه های میهنی ما را چه کسانی ساخته اند: عارف، ملک الشعراء بهار، امیرجاهد، گل گلاب، نورالله همایون رهی معیری، نیرسینا، معینی کرمانشاهی و این بنده کمترین. نورالله همایون پدر همین آقای داریوش همایون است و روزگاری که سرود معروف (ایران، ایران، ایران ای کشور داریوش ای کشور عزت و افتخار و نصرت و دانش و فرهوش) را ساخت کارمند جوان همین مجلس شورای ملی بود که با کمک آهنگساز جوان دیگر که آنهم کارمند مجلس بود یعنی بدیع زاده در طلوع سلطنت پهلوی این سرود و سایر سرودهایشان را ساختند درباره موسیقی هم باید بطور خلاصه عرض کنم. که آهنگ های امروز هویت ملی خود را از دست داده است و هر خارجی که آنرا نشنود تمیشتد در صورتی که

موسیقی هندی یا ترکی یا ژاپنی یا افغانی هویت ملی خویش را نگاه داشته است یعنی اگر کلام را که آنهم برخلاف بالهجه تهرانی ساخته میشود از روی این آهنگ ها بردارند خود ما هم آنها را نمیشناسیم. من این مبحث مفصل و دقیق را در اینجا خاتمه میدهم.

۸- در اروپا روزی به کتابخانه ای رفتم تا به بینم درباره ایران چه کتابهایی دارد. بغیر از کتابی که مؤسسه لاروس بزبان فرانسه منتشر کرده بود کتابی دیدم بنام ایران از طرف یک نویسنده بنام و نسان مونتئی بزبان فرانسه. من شرم دارم که بگویم این آقای نویسنده با سوء نیتی خاص ایران و ایرانی را چگونه معرفی کرده بود این کتاب در ۲۰ سال پیش چاپ اول شده بود چایی را دیدم که یک کلیشه مربوط بسال ۱۹۷۳ داشت این کلیشه هر ایرانی را بخشم میآورد نوشته بود کاریکاتور از ایران آزاد! با علامت تمسخر! آقای و نسان مونتئی Vincent - Monteil حق دارد زیر اسم آجیره خوار است و مسلماً دشمن ایران است و مسلماً باید ایران آزاد و مستقل را با آن صورت مغرضانه تخطئه کند نظایر این آقا در اروپا و امریکا بسیارند که منابع امپریالیستی واستعماری جهان بآنها پول میدهند ایران امروز خار است و چشم دشمنان ایران فرورفته است شاه ایران منافع غارتگران را قطع کرده است بادشمنان ایران در حال مبارزه است سیاست مستقل ملی خود را بجوئیانیان ثابت کرده است ولی وزارت اطلاعات و جهانگردی ما چه میکند؟ از صبح تا شب حواشش متوجه مطبوعات داخلی است و دشمنان ایران هم مشغول اغفال جوانان بی گناه ما در خارج. خانواده های ایرانی هم چه در ایران و چه در خارج از حال فرزندان شان بی خبر. مطبوعات ایران و نظیرت هستند شما باید فقط آنها را ارشاد بکنید که اینک جناب آقای معینیان هم که وزیر اطلاعات بود کارش همین بود مایه یکبار مدیران روزنامه ها را میخواست سیاست ایران و موضع ایران را برایشان تشریح میکرد و آنها هم وظیفه خودشان را میدانستند شما بفکر جوانان این مملکت چه در داخل و چه در خارج ایران باشید.

جوانان ایران نیاز دارند شنیدن دویست هزار دانشجو در ایران و صد هزار دانشجو در خارج داریم آنها احتیاج به نشریاتی دارند که قانعشان کند که بیدارشان کند که حقایق را بگویند نه تبلیغ و نه مبالغه. خارجی وقتی میخواهد با فرهنگ ایران آشنا شود هر کتابی را که باز میکند عکس یک قطار شتر را می بیند عکس مقداری زن چادری را عکس کسانی را که در چشمه علی مشغول شستوشوی

فرش هستند این کتاب های موافق است چه رسد به کتابهای مخالف جوانان ما در خارج دسترسی به آمار مملکت ما ندارند و نمیدانند برای نوشتن رساله به کجا مراجعه کنند چه رسد بآنحذی در مورد ایران جدید یا فرهنگ و معارف ایران و بجای فرستادن خواننده و نوازنده که آنهم لازم است افراد مطعی را بخارج بفرستید که با زبان ساده با دانشجویان بگفتگو بنشینند در لندن که بودم میدیدم که شب ها تلویزیون فیلمهای نیم ساعتی در معرفی کشورهای مختلف حتی ترکیه اختصاص داده اند فقط یک شب که نمایشگاه خطوط اسلامی در بیرتیش موزیوم دائر گردیده بود مختصری در باره موسیقی ایرانی بخش شد که استاد عبادی را نشان میداد همین مختصر هم تأثیر زیادی داشت خارجیان عمر خیم را بصورت دزد بغداد در فیلمها نمایش میدهند و هیچ فعالیتی در معرفی ایران بوسیله این دستگاه مؤثر یعنی تلویزیون من ندیدم.

وزارت اطلاعات چه میکند درست است که دو سال قبل براهمائی شهبانو کتابی خالب بنام بل فیروز منتشر کرد ولی کافی نیست شما باید کتابهایی با تیراژهای خیلی زیاد انتشار دهید هم درباره فرهنگ ملی و هم درباره پیشرفتهای ما و نه کتابهای لوکس نمونه زن ایرانی ملکه بزرگ شهبانوی عزیز ایران است نمونه دانش نمونه فضیلت، نمونه نوع دوستی و بشر دوستی. تاریخ دنیا را ورق بزنید به بینید چهره ای بیباکی و درخشندگی شهبانوی ایران یافت نمیشود - در بین تمام ملکه های دنیا در طی قرون و اعصار آیا ملکه ای به جذامخانه رفته و فرزند جدی را در آغوش کشیده است؟ ماری آنوائت ملکه فرانسه وقتی که گفتند از تحطی گروه گروه مردم میگیرند گفت اگر نان پیدا نمیشود نان شیرینی هم نیست؟ ملکه بزرگوار ما از مردم جدا نیست. بحاشیه کویر میروید و بعدم آموزش میداشت محیط میدهد، بروستاها و شهرهای زلزله زده میروید و به درد دلها گوش میکنید و فرمان رفع مشکل میدهد. باغمها و شادبهای مردمش شریک و سهم است و همین دلیل است که بزرگترین جوایز را در زمینه انسانیت جوامع امروز بشری به پیشگاه او تقدیم میدارند. آیا وزارت اطلاعات این چهره مردم آشنا را بدینا معرفی کرده است؟ نمونه زن ایرانی همین خانم انخمنی است که بعنوان وزیر در این کابینه شرکت دارد بانوانی هستند که نمایندگی مردم در مجلسین و سایر پارلمانهای محلی حضور دارند زبانی هستند که بر مسند قضا تکیه زده و در دانشگاهها تدریس و در بیمارستانها خدمت میکنند زنان ایرانی دختران

سپاهی هستند که در اقصی نقاط کشور بمردم وطنشان خدمت میکنند اینها که دیگر واقعیات است ولی این واقعیات را دشمنان ایران واژگونه جلوه میدهند و این وظیفه برعهده وزارت اطلاعات و مطبوعات و بمردم میهن پرست ماست که حقایق را در همه جا آنطور که هست بازگو کنند و منعکس سازند.

۹ - در باره جهانگردی و بخصوص ایران گردی عرض میکنم که کار وزارت اطلاعات و جهانگردی هتلداری نیست بلکه باید کارش جنبه ارشاد و نظارت و حمایت داشته باشد این هتل هائی را که ساخته اید بمردم بدهید ولی به آموزش مدیر و کارکنان هتل ها توجه بیشتر مبذول دارید. بجای هتل سازی مردم را به ساختن هتل تشویق کنید و بجای کمک مالی و ایجاد توری که در نتیجه خرید زمین های اطراف هتل ها توسط هتل داران در بهای زمین ایجاد میشود از زمین های ملی شده آنها هم در جاهائی که شما نیاز دارید و شما تشخیص میدید بمردم بدهید مردم را تشویق بعمل سازی کنید از تهران تا مشهد از تهران تا شیراز و از تهران بقرنیه کشور شما خودتان آقای وزیر اطلاعات با اتومبیل مسافرت کنید تا به نیاز مردم بداشتن مثل واقف شوید کسانی بطور مثال بکنار دریا میروند و شب را یا در کنار ساحل و یا در کنار خیابانها بصبح میروند در جاهای مناسب مثل باشد با کمال خرسندی بانجا میروند و راضی میشوند. شما هنوز بعضی از شرکتها و سازمانها پتان آئین نامه اجرائی ندارد. هنوز آژانس های مسافرتی تحت هیچ ضابطه ای قرار ندارند و مسئله ایران گردی توجه نمیکند. شما باید امکانات ایران گردی را از لحاظ رفاهی فراهم سازید و شرکت گشتها با یک آئین نامه اجرائی صحیح ایران گردی را رواج دهد. به کار قهوه خانه ها، مسافرخانه ها، مثل ها، نظارت بپیکر و مستمر داشته باشید توریست خارجی وقتی اینهمه کثافت را در قهوه خانه ها می بیند از مسافرت با ایران پشیمان میشود. تعطیلات کارمندان دولت و استفاده آنان باید طوری تنظیم شود که با ایران گردی کمک کند. شنیده ام شهرداری تهران ترمینالی در جنوب تهران ساخته که همه بنگاه های مسافری بانجا بروند و سپس مسافران از آنجا بمحله های خودشان بروند ترمینال در شهرها لازم است منتهی ترمینال باید در نقاط متعدد شهر باشد در هر نقطه شمال و جنوب و شرق و غرب یک ترمینال تا مسافران بتوانند براحتی رفت و آمد کنند و ترافیک شهرها هم برهم نریزد و اینکارها باید با همکاری و کسب نظر وزارت اطلاعات و جهانگردی باشد. در پایان توفیق همه را در راه خدمت آرزو میکنم (احسنت).

رئیس - آقای قائمی بفرمائید.

قائمی - بنام آنکه هستی نام از ایافت - فلک جنبش، زمین آرام از او یافت. با اجازه مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی و همکاران عزیز و ارجمند من برای خودم بحث و گفتگو در برنامه دولت حاضر را مغتنم میشمارم و گمان میکنم دولتی که برنامه او به کیفیت که اعلام شده است در یک جمله «کار، توأم با صداقت، راستی و پرهیزکاری خلاصه شده» برای همه ما مغتنم است بسیار خوشحالم و بسیار گوار از شانس خودم که بعنوان تأیید کننده نسبت بمسائلی که در برنامه دولت مطرح شده است این جا گفتگو میکنم چون اعتقاد دارم که رئیس محترم دولت به آنچه که گفته اند ایمان دارند و در گفتارشان صادقند وقتی دم از تقوی و پرهیزگاری و صداقت میزنند دم از چیزی نمیزنند که در خودشان نیست بلکه راجع بمسائلی میگویند که از آن بعد کفایت برخوردارند بنابراین از این جهت گفتم سیاس از شانس خودم دارم چون دلم میخواست که فرصتی چنین پیش می آمد که در اینجا بنام یک نماینده ای که موید برنامه دولت گفتگو میکند سخن داشته باشم دولت در برنامه خودش بعقیده من نکات مثبت و منفی را بخوبی دریافته است مابقی شک در دوران انقلاب آهسته گام برداشته ایم و انقلابی آهسته هم نمی تواند گام بردارد و می بایست در تمام زمینه ها حساب شده و هماهنگ گام بردارد و شاید در بعضی از زمینه ها هماهنگی بدان کیفیت که میبایست نبوده است و نظم حرکت در بعضی از زمینه ها اختلالاتی ایجاد کرده و مسائلی ایجاد کرده که عنوان تنگنا را بخود گرفته که بعقیده من اصطلاح خوبی هم هست در این برنامه که بنده بعنوان یکی از اعضای قوم منته آذربایجان کردم دریافتم که دولت بخوبی آگاهی دارد و واقف است که در چه زمینه هائی و مواردی آنچنان که میبایست گام برداشته شده باشد برداشته نشده و پس از دریافت آن نقاط هدف هارا مشخص کرده است بنابراین من من بلکه مسلماً همکاران محترم همه این برنامه را تأیید خواهند کرد شاهد گفتارم در این خصوص این است که دولت در برنامه اعلام شده نکاتی را که می بایست دریابد و مسیری را که میبایست مشخص کند مشخص کرده است مطالبی است که در صفحه چهار برنامه چاپ شده و من برای تجدید توجه ذهن شما همکاران اجازه میخواهم این صفحه چهارم را مجدداً بخوانم چون یکبار وسیله رئیس محترم دولت این جا قرائت شده است.

بدهی است که پیشرفت پرشتاب به ناچار مسائل و دشواریهائی را با خود همراه می آورد که از آن جمله میتوان به تورم حاصل از افزایش سریع تقاضا و عدم امکان افزایش عرضه در کوتاه مدت و بزور تنگنای گوناگون و در مواردی عدم تعادل بین آهنگ رشد بخش های مختلف و در نتیجه کمبودها و نارسائیهای در زمینه، نیروی انسانی، برق، مصالح ساختمانی، ارتباطات و مخابرات و خدمات شهری و نظائر آن اشاره کرد.

پس خوب دریافته است که نکاتی که باید به آنها توجهی غیر از آنچه که بوده است بشود شده است و راه و رسم را هم مشخص کرده است قسمتی را میگذردم و بقیه را میخوانم.

رویا روئی با این مسائل و غلبه بر آنها مستلزم نیروی تازه و سرشار از تحرکی است که با استفاده از مدیریت قوی و اصلاح روشها و سیستمها و تجدید نظر در سیاستها در چارچوب فلسفه عالی و اصول ارزشمند انقلاب شاه و ملت با عقیده و ایمان کامل بکار افتد و با تجهیز کلیه منابع و بهره مندی از همه امکانات به رفع تنگنای موجود و ایجاد توازن و تعادل بین بخش های مختلف پردازد و در نتیجه حرکت جامعه ایران را بسوی تمدن بزرگ تسهیل نماید. همکاران عنایت فرمودند که آنچه لازم بود بعقیده من در اینجا نسبت بوضع اقتصادی و آنچه که می باید در آینده انجام بگیرد متذکر شویم دولت بخوبی واقف کامل داشته و راه و چاره آن را هم پیدا کرده بنابراین سخن من سخنی بگزارف نبود اگر گفتم که اغتنام فرصت است برایم که در برنامه دولت بعنوان نماینده ملت تأیید کامل و تمام عیار بکنم در این برنامه و روشی که اعلام شده است و هدف ما هم مشخص است هدفهای ما که من در فصول مختلف دیدم همه با نیازها و احتیاجات ملی و میهنی ما تطابق دارد شک نیست دولت با این برنامه مورد حمایت و جانبداری قلبی و عمیق ملت ایران خواهد بود چون برنامه با صداقت و صراحت اعلام شده است و مسیر، مسیر سلامت و صواب است جناب دکتر آموزگار رئیس دولت در برنامه خودشان برای حصول توفیق دو نکته را اشاره کردند یکی داشتن فرصت کافی برای دولت و دیگر حمایت و پشتیبانی توأم باشکبائی برای ملت و بی شک برای ما نمایندگان مردم تردید نیست توفیق دولت با تأیید الهی و عنایت شاهنشاه مورد تأیید و پشتیبانی ملت ایران و نمایندگانشان در مجلسین مسلماً خواهد بود و در چنین شرایطی تردید نیست که دولت

حاضر توفیق کامل حاصل کند و بر مشکلاتی که به آنها پی برده است فائق آید و این آرزو را همه ما از خداوند متعال مسئلت داریم چون سخن در باب رشد زیاد گفته شده است من هم معتقدم که ما بحق از رشد شایسته ای در دوران شکوفای انقلاب با عنایت پرچمدار انقلاب بهره مند شده ایم ضمن تأیید این رشد غرور آفرین باید این مطلب را هم اضافه کنم که رشد جامعه در رشد مادی خلاصه نمی شود و نه تنها خلاصه نمی شود بلکه بدون رشد معنوی نمیتواند صاحب ارزش واقعی و ارزشی که مورد نظر است باشد آیا جامعه ما هماهنگ با رشد مادی رشد معنوی داشته است؟ من معتقدم که نه، چون فضیلتها و تقوی و پرهیزگاری همگام حرکت ما در زمینه های مادی نبوده است در این زمینه ما لنگی هائی داشته ایم و این لنگی ها ناشی از بی اعتنائی هائی بوده است که نسبت بمسائلی معنوی که بر شمرده شده ای از قبیل تقوی و پرهیزگاری شده است اگر ارزش اعمال صادره از ناحیه هر فردی قبل از سنجش یا شاخص مادی از لحاظ معنوی سنجیده شود سسطاً رشد مادی ما با رشد معنوی هماهنگ خواهد بود مع التأسف جامعه امروز ما ضمن غروری که دارد و باید در برابر رشد مادی و اقتصادی داشته باشد رشد مادی و اقتصادی از مبانی فضیلتی فاصله گرفته است اذهان متوجه این نکته است که بیشتر در مادیات میشود تمینات درونی و خواسته ها را تضمین کرد بنابراین بخش خصوصی ما دنبال زمین می رود افراد برای بدست آوردن موقع ها و موقع های اجتماعی دنبال ارتباطات می روند سعی نمی شود که با نشان دادن مراتب فضیلتهای انسانی لیاقت و شایستگی خود را برای اشغال مقام و منصب بروز بدهند تلاش می شود که چگونه می شود ارتباط پیدا کرد این نکاتی است جناب آقای آموزگار که مسلماً جنابعالی بجهت سابقه بیشتر و موقعیت ممتدی که در اداره امور مملکت داشته اید از من وقوف بیشتر دارید اگر بنده این عرض را می کنم من باب این نیست که شما بی خرید و من میخواهم آگاهتان کنم بلکه از نظر اینست که عقده ای را که در دل دارم بازگو کرده باشم والا شما و همکاران صاحب فضیلتان آگاهی دارید و تردید نیست که رشد معنوی، رواج تقوی، احترام به فضیلت با بخشنامه و دستورالعمل تأمین نمی شود هم وقت می خواهد هم حرکتی در قالب یک جهاد ملی. اما ملت، جامعه همیشه چشمش به سیمای مدلهای و به سیمای سنبل های اجتماع

است. به سمای دولت است. به سیمای اعضای دولت است و بالاخره به سیمای ارگانهای اجتماعی است و در آنها جستجو می‌کنند و در آنها سراغ فضیلت می‌گردد. اگر بازرداغی داشت سلسلاً بدنبال فضیلت خواهد رفت و گرنه متأسفانه بجای خواهد رفت که اسفناک است. اعتقاد اینست که رستاخیز ملت ایران که به ابتکار و رهبری بلند اندیشه ایران مطرح شده، موضوعیت پیدا کرده و جان گرفته تنها در مسائل سیاسی و اجتماعی نباید خلاصه شود. رواج فضیلت و تقوی باید از شعارهای مسلم حزب رستاخیز ملت ایران باشد که بیش از هر جای دیگری در آن چهار چوبه درباره این مبلینی معنوی گفتار و کردار و بندار ظاهر و آشکار شود و جامعه را از نظر معنی به بهترین پایگاه مشهود هدایت کرد که آن پایگاه ایمان و خداپرستی است که ما خوشبختانه ملتی سعادت‌مند بوده‌ایم که چنین پایگاهی را در حد رفیع و شایسته آن در سایه دین مقدس اسلام و زیر چتر گسترده آن داریم. بنابراین باید همه باهم تلاش کنیم که مردم بیش از پیش بجانب ایمان و مبانی دین متوجه شوند که بی شک این قدرت عظیم وجدان بیدار و ایمان بسیار در من و دیگران بوجود خواهد آورد که اینها همه باهم پایگاهی مسازد شکست ناپذیر و دژی مستحکم می‌گردد که جامعه ما را دوام و بقا خواهد بخشید. بنابراین نظر دولت شما را به این نکات معطوف می‌دارم.

همانطور که عرض کردم در باب مسائلی که در برنامه مطرح است آنجا که تأکیدات ضروری بوده است، در برنامه دولت بخوبی دیده میشود که تأکید شدیدی بعمل آمده است. در کار اقتصاد، در کار توازن صادرات و واردات بدون در نظر داشتن درآمد نفت تأکید لازم را می‌بینم، در کار آموزش و پرورش تأکید می‌بینم، در کار تولیدات کشاورزی و امر کشاورزی که براساسی بنسبت مورد بی‌مهری بوده است تأکید لازم را می‌بینم و جای بسی خوشوقتی است که تأکید در مبارزه با فساد در هر نوع از آن تأکیدات شایسته برنامه اجتماعی دولت است مایه اصلی لغزشها و اکثر از تنگناها و دشواریها و ناسامانیها همه و همه در همین جاست در عدم کفایت مبارزه کامل و شایسته با فساد است. و این چقدر مایه خوشبختی است برای ملت ایران و نمایندگان مردم که در ساحت مقدس مجلس شورای ملی از زبان رئیس دولت میشود و در برنامه دولت می‌بیند که دولت در نظر دارد و مصمم است که با فساد مبارزه کند، مبارزه با فساد فرمان رهبر عالیقدر ملت ایران که بکرات به آن

اشاره فرموده اند و نتیجتاً خواست همه ملت ایران است در این کار هم تدبیر و هم ابزار کار هر دو باید توانان برندگی و قاطعیت لازم را داشته باشد. تجهیز و تقویت دادگستری و قوه قضایی مملکت در برنامه دولت مطرح شده است، دستگاه قضایی شمشیری است که با آن می‌بایست ریشه فساد را قطع کرد این شمشیر می‌بایست برندگی کافی داشته باشد. با شمشیر نابرا ریشه درخت نتوانند قطع نمی‌گردد. سزاوار چنین است که در دولت جنابعالی قوه قضاییه از حرمت بیشتر، استقلال کاملتر و اعتبار بیشتر برخوردار باشد (صحیح است) قوه قضاییه می‌باید آنچنان اقتداری در خود احساس کند که در برابرش هیچ قدرتی بحساب نیاید آنگاه است که قدرت مبارزه با فساد را به کیفیت که شما می‌خواهید و ملت از شما انتظار دارد می‌توانید از دادگستری انتظار داشته باشید. ذات نایافته از هستی بخش کی تواند که شود هستی بخش؟ مراد این نیست که بگویم دستگاه دادگستری مادر حال حاضر بی حرمت است یا استقلالش بسیار کم است. نه، دستگاه ما، قوه قضاییه ما هم اکنون هم سرشار از تقوی و فضیلت از دانائی و هوشیاری و وطنپرستی است ولی لوازم کار و قدرت مادی که ضرورت خاص آنست ندارد و باید به آنها توجه شود تا براساسی در حدی که انتظار است ذات هستی بخش باشد، قاضی بهیچ وجه نباید که پریشان حال و درمانده در مسائل مادی و معیشتی باشد. قاضی نباید احساس کند مقام و موقعیتش من باب مثال از موقعیت یک مقام اجرائی کمتر است. اگر آنچنان اعتقادی داشت قاضی مقام قضا را برابر احساس نمی‌کند و آن برندگی که شما از دادگستری انتظار دارید در آنجا بروز ظهور خواهد کرد. دادگستری چیز اضافه‌ای نمی‌خواهد، همانقدر حرمت و احترام و استقلال که در قانون اساسی برای قوه قضاییه پیش بینی شده است انتظار دارد که در عمل بی‌کم و کاست به او داده شود و از نظر ابزار کار و تأمین مالی بی‌نیاز گردد. انتظار بده بعنوان یک قاضی که افتخار نمایندگی ملت را در مجلس شورای ملی دارد، از جنابعالی و دولت شما اینست که توجه بیشتر و عنایت بیشتر نسبت به این دستگاه داشته باشید و اگر به آن حدی که عرض کردم عنایت و توجه بفرمائید در مبارزه با فساد از طریق قوه قضاییه موفق خواهید بود. یک نکته دیگر نیز در این باب هست که می‌گویم و سخن را از اینجبهه کوتاه می‌کنم و آن اینست که در سالهای گذشته بجتهائی قسمتی از اقتدارات

مرجع تظلمات عمومی تجزیه شده، خرد شده در سازمانهای مختلف و بصورتی ظاهر شده که آنچنان که می‌باید خوب نبوده است و نه تنها فایده نداشته بلکه این ضرر را داشته است که از قدرت قوه قضاییه کاسته است بنابراین عنایت دولت را به این نکته جلب می‌کنم که حتی المقدور کار کمیسیونهایی که در بعضی از سازمانهای اجرائی مملکت کار قضائی انجام میدهند به دستگاه اصلی خود برگردند و دستگاه عدالت و ظایفی را که این کمیسیونها انجام میدادند، انجام بدهند. جناب آقای آوزگار، دولت شما دارای موقعیت خاصی است بجهت عنوانی که شاهنشاه هنگام معرفی دولت شما به پیشگاه مبارکشان به این دولت اعطاء فرمودند: دولت اتحاد ملی و وحدت ملی. این عنوان مایه‌ای بس گسترده و عمیق دارد. باید دولت به اعطای این عنوان توجه دقیق داشته باشد. وحدت ملی یعنی چه؟ یعنی بخش خصوصی و بخش عمومی و آحاد افراد مملکت این احساس را داشته باشند که در بقا و حیات مملکت همه باهم مسئولیت مشترک دارند. کیسه مردم و خزانه دولت حساسی از هم جدا نیست یعنی سود و زیانش باهم ارتباط دارد جنابعالی به نکته‌ای دقیق توجه فرمودید که بخش خصوصی کمتر به حساب گرفته شده و تحرکی که داشته با بخش عمومی متناسب نبوده و الویت دادن به این بخش حق است اما با دریافت معنی واقعی وحدت ملی آنهم درجه حدس باب مثال عرض کنم در مسئله عرفان و تصوف داریم وحدت وجود را آنجائیکه سلطان عرفا مولوی از زبان مجنون می‌گوید ترسم ای فساد گره‌دهم کنی

نیش را ناگاه بر لیلی زنی

بخش خصوصی اگر احساسی این چنین داشت باید از حمایت دولت شما صد درصد برخوردار باشد آن بخش خصوصی که از کیسه ملت از امکانات دولت در خزانه عمومی بهره بگیرد، سود بگیرد، اما هدف و مرادش افزودن بر سرمایه شخصی خودش باشد آن بخش خصوصی بعلت عدم درک وحدت ملی شایستگی آن را ندارد که از حمایت دولت شما در این زمینه که عرض کردم در سهمی که بیشتر باید به بخش خصوصی داده شود بهره مند گردد. نظر جنابعالی را به این نکته معطوف داشتم و معتقدم که شاید نظر صحیحی باشد البته اگر خلاف آن ثابت شد با قبول خاطر پذیرا هستیم. نکته دیگر احترام به قانون، موقعیت ممتاز در تمام زمینه‌ها برای جامعه ایجاد می‌کند. دیده میشود که بعضی از اوقات مسئولینی در نقاط مملکت بقصد اینکه کاری را

بهرتر یا نظری را شایسته تر تأمین کنند و بعضاً هم واقعاً اینطور است از قانون ندیده می‌گذرند و یک نوع قانون شکنی میکنند این اگر در فرصتی کوتاه و در موضوعی محدود احیاناً صواب و صحیح باشد اما در مسیر کلی در جنبش به اجتماع لطمه شدید می‌زند. تا قانون و قضا به قانون وجود دارد و حکومت می‌کند هیچ مقامی حق ندارد دستوری خلاف آن بدهد چون این مسئله دیده شده است این را تذکرأ عرض کردم باز در زمینه کار انقلاب اداری و ارتباط سازمانهای اجرائی با مردم تذکره دارم دیده شده است که مقامات اجرائی در قبال مردم جبهه‌گیری می‌کنند در هر گروه به مجرد برخورد و مراجعه اول ذهن آن مقام مسئول اجرائی متوجه این است که بیک شکلی نقطه مقابل را بگیرد و موضع بگیرد چه فلسفه‌ای ایجاب می‌کند که این چنین روحیه‌ای در کارمندان و مسئولین اجرائی باشد آنهم درجه شریقی، در شرایط رستاخیز و وحدت ملی اگر هم بوده است منبهد اقتضا نمی‌کند و مأمورین شما نباید صاحب چنین روحیه‌ای باشند من موردی را سراغ دارم اسم نمی‌برم چون مربوط به حوزه انتخابیه خودم است به خاطر تلگرافی که بی جا و بی ربط چند روستائی ساده دل بیک مقامی که مسئولیتش در سطح مملکتی است مخایزه می‌کنند که مبادا فلان زید مسئول فلان قسمت گردد به ایشان برمی‌خورد که چرا چنین تلگرافی شده است و از انجام کاری که در تولید منطقه‌ای وسیع مؤثر بوده انصراف حاصل میکند به فرض که فلان روستائی تلگرافی کرده است که کار درستی هم نبوده، تو که نباید چنین کاری بکنی این روحیه رستاخیزی نیست و دیگر هم مقتضی نیست که در عصر رستاخیز چنین نمونه‌ای داشته باشیم همانطوریکه دوستان اشاره کردند یک رهبر و یک پرچمدار یک ملت که اینگونه زاویه هـا را نمیتواند داشته باشد این جبهه‌گیریها نمیتواند وجود داشته باشد بنابراین شایسته تر آن است که در این باب کمال دقت از ناحیه مسئولین دولت مطرح باشد تا تغییر روحیه‌ای ایجاد شود در مورد کارمندان نظراتی عنوان شد که بیشتر جنبه شخصی داشت ولی من را مکلف ساخت که نظر شخصی خود را عرض کنم با اجازه همکاران اینجا صحبت از خائن و خادم و خادم شد و اینکه آیا خائن پس از ندامت خادم میشود یا نه در این مملکت تشخیص خائن و خادم با یک مرجع است - خادم و خائن را رهبر ایران زمین می‌شناسد هر کس را ایشان خادم شناختند خادم است و لوائیکه در گذشته اشتباهاتی هم داشته‌اشد

ومن عرض می‌کنم پسندم آنچه جانان می‌پسندند اما اگر از نظر تحلیلی در مایه مکاتب اخلاقی و ادیان بررسی کنیم بنده هم معتقدم از روز اول بشر مایه خطا درش بوده اما قابلیت تربیت هم داشته به همین جهت مردم صاحب فضیلت در جامعه بشری بسیار دیده شده‌اند که قبل از اینکه به مرحله کمال برسند اشتباهات یا لغزش‌هایی داشته‌اند بنابراین نمیتوانیم علی‌الاصول ما بگوئیم که اگر کسی روزی از مسیر صواب خارج بوده اگر اشتباه کرده اگر پایش لغزیده تا ابد باید خارج از مدار باشد و اگر برگشت به راه صواب و فردی سالم و درست شد و صداقت و وطن پرستی پیدا کرد به اعتبار اینکه در زمان جوانی در ایام نادانی و جهالت اشتباه کرده و گمراهی داشته‌اند و اگر گناهکار بدانیم؟ این نه با آئین ما، نه با مذهب ما، و نه با مسائل اخلاقی و سوسیولوژی تطبیق ندارد (مظهري - اشتباه با خیانت فرق میکند) آقای مظهري جنابعالی نظر شخصی‌تان را گفتید من هم نظر شخصی‌ام را عرض می‌کنم و اگر بعضی بود خارج از تریبون گفتگو می‌کنیم همانطور که عرض کردم همه ملت ایران یک دل و یک زبان به اعتقاد من به پیشگاه شاهنشاه عرض میکنند که پسند شاهنشاه پسند ملت ایران است بنده بیش از این تصدیق نمیدهم یکبار دیگر در پایان غرایضم برای دولت جناب آموزگار دولت چهره‌ایکه شهره به تقوا و فضیلت است شهره به برهیزگاری و عفاف و نجابت و پاکدامنی و راستی و صداقت است توفیق از پیشگاه خداوند متعال مسئلت می‌کنم و برای شما و دولت شما دعا می‌کنم در این روز رمضان از زبان نظامی گنجوی مده ناخوب را بر خاطرش راه

بدار از ناپسندش دست کتوت‌ساز
این دعا را هم برای شما و دولتتان کردم و آرزوی کنم آنچنان توفیق داشته باشید که همه ما پس از رسیدن به مقصود در طریقی که شما انتخاب کرده‌اید انشاء الله و مسلماً با عنایت حق و تأیید شاهنشاه و عنایت شاهنشاه ایران زمین و همکاری همه ملت ایران زمین نصیب شما خواهد شد زبان حالی داشته باشیم که در این بیت خواجه خلاصه شده باشد که بگوئیم

هر کس که دید روی تو بسوید چشم ما

کاری که کرد دیده ما بی نظر نکسرد
نکته‌ای دیگر دارم عرض میکنم و مرخص میشوم ، بعضی از سازمانهای مملکتی که مدتهاست از تشکیلشان میگذرد هنوز بواسطه قانونی برای طرز استخدام و رابطه

رئیس و مرنوس و تشکیلات اداری خودشان را هنوز پیاده نکرده‌اند و هنوز ارتباطات شخصی و میل و هوس مدیر آن سازمان حاکم بر مدیریت افراد زحمتکش است که بی‌شک اگر همان راه و رسم وجود داشته باشد موجب دلسردی و کم‌کاری و بی‌اعتقادی افراد نسبت بکارشان خواهد شد ، خواهشمندم باین نکته توجه داشته و در این زمینه هم عنایت فرمائید که موردش را هم خود دولت پیدا خواهد کرد بنده زحمت را کم می‌کنم و توفیق شما را از خدای بزرگ می‌خواهم و از اینکه همکاران عزیز حوصله فرمودند و سخنان بنده را شنیدند سپاسگزارم (احسنت)

رئیس - آقای دکتر رحمانی فرمائید .

دکتر رحمانی - جناب آقای رئیس ، همکاران محترم و گرامی ، بر ما پوشیده نیست که خدمات ارزنده جناب آقای آموزگار در سنگرهای مختلف و در پست مختلف صداقت عمل ایشان را ثابت کرده است ، مسلماً برنامه‌ای چنین مدبرانه و ترکیبی چنان زیرکانه که پایه‌های آن بر اصول انقلاب شاه و ملت استوار شده است توفیق خوبی خواهد یافت ، این برنامه را چند دفعه مطالعه کرده‌ام دو کلمه که با شاید تا حالا برای من نامفهوم بوده و یا اینکه حقیقتاً از این دو کلمه تاکنون خوب برداشت نشده در لابلای این برنامه وجود دارد ، دو کلمه خیلی بر معنی و خیلی زیبا و خیلی هم فریبنده ، تنگنا و اولویت ، آنچه از تنگنا به نیاز ، احتیاج می‌دانیم و آنچه امروز از آن تعریف شده در معانی کلمات - نیاز - احتیاج و گرفتاری میباشد .

و گرفتاریهای عمده قبلاً در کلمه تنگنا خلاصه شده ولی منظور این است که تنگناها چه هستند و تنگنا به چه اطلاق میشود ، شناخت تنگناها برای همه ما روشن است ما از گرفتاریهای بزرگ کشاورزی اطلاع داریم ، وضع کشاورزی ما را از نظر رفاهی میدانیم و محصور لانتش را می‌شناسیم و بفرآورده‌هایشان هم آشنائی داریم ، کمبود نیروی انسانی بخصوص نیروی فنی انسانی مسلماً یکی از گرفتاریهای بزرگ ما است ، کمبود راهها بخصوص راههای روستائی بر همه روشن است و جناب وزیر برای شما در درس بسیار بزرگی است .

موضوع بهداشت و درمان و کمبود پزشک و پرستار و عرضه خدمات بهداشتی بخصوص برای طیف کشاورز و روستاها از هم گرفتاری‌هاست و میدانیم که توزیع عادلانه درآمد انجام نمیگردد ، ضرورت رفع فساد در کادری اداری مسلماً یکی از تنگناهای بزرگ است . دروغ ، تقلب ،

نیرنگ ، فریب تا آنجائیکه باعث انزجار شاهنشاه محبوب ما میشود شدت رواج دارد و توسعه پیدا می‌کند ، مشکل مسکن را همه درباره‌اش صحبت کردند ، روزنامه‌ها نوشتند ، یکی از گرفتاریهای بزرگ بخصوص برای طبقه کارمند است ، طبقه کارمندان کثرتی هستند که از داشتن منزل و ماوا محرومند ، اینها تنگناها هستند و خیلی چیزهای دیگر کمبود می‌شود به کلمه تنگنا وصلش کرد و ادامه داد ، اولویت چی هست؟ اولویت بنظر من این است که جمعی بنشینند یک کمیسیون تشکیل بدهند یا اینکه بروند و بررسی کنند و مقایسه کنند و ببینند چه چیز واجب تر و ضروری تر و حیاتی‌تر است ، و من شهرستانی تا حالا ندیده‌ام که بحقیقت رویش اقدام بشود ، در تهران بزرگ زندگی می‌کنیم ، تهران پنج میلیون نفری باده‌ها شاهراه و صدها بیمارستان و هر روز بروی خیابانهای آن پلهای هوایی بسته می‌شود ، میلیونها هکتار جنگل مصنوعی در اطراف تهران احداث شده اینها برای چیست؟ برای اینکه هجوم جمعیت را به این شهر اضافه نکنیم؟ این همه هزینه چه تأثیری در هوای مه‌آلود و دودآلود تهران کرده است ، با اینهمه پلهای و شاهراهها چه کرده‌اید و از ترافیک تهران چه باری برداشته‌اید ، اینهمه درمانگاه و اینهمه مؤسسات درمانی و اینهمه اورژانس و آسپولانس آیا برای این شهر کافی نیست ؟ اما فکر می‌کنم اگر هزینه یکی از این پلهای مصرف یک راه روستائی بکنیم می‌خواهم عرض کنم که حداقل آن روستائیان زمستان می‌توانند نفت داشته باشند برای سوخت و گرم شدن . اولویت بنظر من برای این قسمت باید داده‌شود و اولویت باین اطلاق می‌شود که برای حداقل ۲۰ روستا یک درمانگاه در نظر بگیرند ، نه اینکه آسپولانسها در این تهران بزرگ از این طرف بآن طرف بروند ، در تهران می‌توانند با تا کسی یا با وسائل شخصی و اتوبوس مریض را بمقصود برسانند ولی روستاهای ما از خدمات بهداشتی و درمانی بی‌نصیب هستند و اولویت حق آنهاست و اجازه بدهید آنها هم حداقلی داشته باشند و زندگی بکنند ، اولویت بکشاورزان و روستاها بدهید یک مقایسه ساده ، ما اصول انقلاب را پیاده کردیم من کارگر و کشاورز را مقایسه می‌کنم ، این اصول درباره کارگران بنحو احسن پیاده شده و همه ما اعتقاد داریم و همه خوشحال هستیم که کارگران زحمتکش و وفادار و شاد و سوس و مین پرست از رفاه نسبی برخوردارند ولی در مورد کشاورزان امروز زمین دارند این زمین را چه

کنند؟ آب ندارد ، راه ندارد و بدتر از همه فرآورده‌های کشاورزی‌اش را نمی‌خرند و اگر هم بخرند آنقدر قیمت آن ارزان است که تکاویف هزینه انجام شده را نمی‌نماید بهمین دلیل همه کشاورزان ناچار هستند آن اندک را هم ول کنند و به پایتخت و مرکز استانها بیایند و نتیجتاً نیروی جوان و فعال در روستاها از بین رفته است و کشاورزی ما رو بزرال است در شاهراه خراسان اگر روزنامه‌ها را بخوانید بین بجنورد و مشهد روزی نیست جناب وزیر راه که تصادف نشود و شاید تلفات این مسیری که عرض کردم باز دانه‌ها همه تلفات راههای ایران باشند پس اولویت از آن این شاهراههاست بخاطر حفظ جان انسانها ، خراسان بخصوص مشهد در بی‌آبی می‌سوزد آب ندارد جماعتی که برای زیارت و سیاحت می‌روند باید حتی برای خودشان آب آشامیدنی ببرند ، آمدند بررسی کردند اولویت دادند به سدهای خراسان ولی اولویت بر روی صفحه کاغذ بوده است ، این شهرها احتیاج به سد دارند و سدهایشان در اولویت قرار گرفته‌اند و این سدها اگر احداث بشوند مقداری از کمبود فرآورده‌های کشاورزی ایران را رفع خواهد کرد باین همه احتیاجات شهرستانها با هم اولویت فقط مال مردم تهران است مال برق و آب تهران است همه و همه برای تهران چرا؟ برای اینکه از این جهنمی که ساخته‌اند جهنمی‌تر و وسیع‌تر شود شهرستانی‌ها هم حق دارند در مقام مقایسه برآیند آنها را هم بگذارید از حداقل وسایل رفاهی استفاده کنند خراسان یک شهر قدیمی است و کشاورزی‌اش از بین می‌رود چقدر کاران دست از کار کشیده‌اند مالکین ، گندم نمی‌کارند و اصولاً کشاورزی وجود ندارد اینجاست که اگر مقایسه را که در مورد کارگر و کشاورز بعرض رساندم بررسی نمایند مسلماً حق خواهید داد که زمان آن رسیده است که اولویت به کشاورزان داده شود و شما ناچارید برای بقاء مختصر کشاورزی باقیمانده اقدام و اولویت رفاه کشاورزان را در تمام ایران سرلوحه قرار دهید (احسنت)

ما می‌بینیم یک شهر مورد هجوم سیل قرار می‌گیرد می‌آیند بررسی می‌کنند که چرا سیل آمده و چه باید کرد که سیل نیاید میلیونها تومان دولت خرج می‌کند و صدها میلیون تومان مردم خرج می‌کنند تا بتوانند خسارتی را که سیل ببار آورده جبران کنند البته این برنامه در صفحه کاغذ دز اولویت قرار میگیرد که مثلاً برای این شهر سیل بند درست کنند و سدی را که قرار است بر روی رودخانه این شهر بندند زودتر برپا نمایند اینها روی

صفحه که غر آمده است ولی من شهرستانی ندیده‌ام که از صفحه کاغذ تجاوز کند و پیاده شود بیابید این بولی را که دولت خرج کرده است حفظش کنیم و دیگر نگذاریم که سیل دوم هزینه‌های انجام شده را ازین ببرد دلسوزی نخواهد تا اموال مردم و هزینه گزاف دولت را که برتیا وقت صرف آن شده است حفظ کرد. جناب آموزگار استدعا دارم به مجریان امر توصیه و تاکید فرمائید این دو کلمه را حقیقتاً مفهوم ببخشند و یا برش دارند چون مردم معنی این دو کلمه را می‌دانند گرفتاریهایشان را میداند امروز از راه وسایل ارتباط جمعی بر همه چیز آگاهند مردم عموماً هستند هوشیارند از دردها بخوبی اطلاع دارند علاجشان را از شما میخواهند بعنوان یک طبیب خوب. موضوع دوم مورد بحث که بنظر رسید ویکی از گرفتاریهای بزرگ امروز ما میباشد بازار سیاه است و این موضوع را ما تا حال بارها دیده و لمس کرده‌ایم خارجیها اجنبی‌ها - در کمینند و از پیشرفت سریع تحت رهبری خردمندانه شاهنشاه محبوب بهمین دلیل در هر زمان و بهر وسیله میخواهند سدی در مقابل این پیشرفت بوجود آورند یکی از آن عوامل ایجاد بازارهای سیاه کاذب در زمینه‌های مختلف میباشد و باین ترتیب وسیله‌ای ایجاد کنند که باعث دلهره و نگرانی مردم بشود تا جاییکه من در اینطور مواقع دیده‌ام شاهنشاه محبوب ما خردمندانه خیلی زود تدبیری اندیشیدند که آنچه را که اجنبی‌موظیان برای جلوگیری از پیشرفت ما تهیه دیده است در نطفه خفه کنند (صحیح است) من بنام نماینده مردم چنین رهبری را میستایم از خداوند میخواهم بقای دولت و اقبالش را امداد مورد بازار سیاه داخلی که گاهی بوسیله بازرگانان و گاهی بوسیله مسئولین وقت بوجود می‌آید دیده‌ایم. یک کمی موضوع را باز می‌کنیم البته آنچه را که مورد نیاز مردم است مثل سیب زمینی و شکر و پیاز در اینگونه موارد اغلب بدبختانه انگشت خود مسئولین امر در کار دخالت داشته است این مسئولین را در وهله اول باید بمردم بشناسانید همانطور که در قدیم یک محتر را می‌شناسانند و می‌بردند سرچارتوق و شلاق می‌زدند و بعد هم جنسی را که احتکار کرده بود از انبارها خارج و آنرا به نرخ عادلانه بمردم می‌فروختند شما هم تدبیری اتخاذ نمائید تا این از خدا بی‌خبران رسوا شوند ولی در مورد بازار سیاهی که خود مسئولین امر بوجود آوردند عرض کنم ما از وضع سیمان اطلاع داریم میدانید و میدانیم که سیمان بعلا تقاضاهای زیاد شاید کم باشد ولی معتقدم که اگر هر کس

بخواهد از بازار سیاه سیمان تهیه کند هر قدر که لازم داشته باشد هزارتن، دوهزارتن ده هزارتن و بیشتر می‌تواند تهیه کند (صحیح است) چرا این سیمانها را با افرادی که احتیاج داشتند ندادند تا ایجاد بازار سیاه نکند، میشود بسادگی جلو اینها را گرفت سیمان کم است ولی مردم هم قانع و راضی هستند وقتی سیمان نبود مردم عوض اطاق ۳ اتاق می‌سازند ولی وقتی سیمان بحدی باشد که در بازار آزاد بشود تن‌ها خرید، این کمبود سیمان نمیشود بلکه می‌شود گفت مسئولین امر عملاً این موضوع را پیش آورده‌اند تا خدای نخواستہ زبان من لال بخواهند استفاده مادی بکنند. با راه آهن دولتی ایران، خیلی ساده است میخواهید بروید خراسان داخل گیشه بلیط مشهد پیدا نمی‌شود ولی ده قدم آنرفتر هر قدر بخواهید هست آنها به بازار سیاه می‌فروشند و آنهایی که می‌خرند شناخته شده هستند و آنهایی هم که می‌فروشند شناخته شده هستند (یک نفر از نمایندگان - قبل می‌خرند) ولی جلوی گرفته نمیشود میشود بسادگی این کار را انجام داد، میشود بدینی را در مردم ازین برد، میشود کاری کرد که دست این دلالان را چه از طرف خریدار و چه از طرف فروشنده قطع کرد مطمئناً در آینده نزدیک چنین خواهد شد به سبب حرفه‌ای که داریم و خدماتی که قبل از انجام داده‌ام. بدو موضوع اشاره میکنم یکی خدمات صادقانه نیروهای مسلح شاهنشاهی است (صحیح است) ما واقف هستیم و میدانیم که این جماعت، جیاعتی قانع، محکم، شاهرست و میهن پرست هستند سخت‌ترین زندگی از آن یک سرباز است و خوشحالت‌ترین فرد در این اجتماع ما یک سرباز است (احسن است) یک سرباز به سختی زندگی و افاق است ولی بخدمتی هم که عرضه میکند وفادار و صادق است من همه آنها را می‌ستایم نه بعنوان اینکه خودم سالها خدمت مقدس سربازی را انجام داده‌ام بلکه بخاطر اینکه حقیقتاً آنها سربازند و قابل تقدیس هستند استدعا میکنم باین جماعت روحیه بدهید آنها خونند و خوبتر و بهتر خواهند شد و ما بوجدشان افتخار میکنیم من پزشک هستم و جرفه‌ام پزشکی است و جناب وزیر بهداری و بهزیستی قبل راجع باین موضوع زیاد صحبت کرده‌ام صحبت هم در مورد عرضه خدمات درمانی و بهداشتی زیاد شده است طرح‌های خیلی خوب و عالی ولی همه‌اش در دست اجرا سالها از انقلاب میگذرد مردم تشنه اثرات انقلاب هستند مردم میخواهند از خدمات درمانی استفاده کنند شاید باید کاری کرد که

بقول معروف نه سیخ بسوزد نه کباب (یک نفر از نمایندگان - کباب پیدا نمیشود) پیدا میشود فقط برای عده‌ای! تا حالا از نظر بهداشتی و خدمات درمانی برای روستاها قدمی برداشته نشده من این را بعنوان یک طبیب عرض میکنم طبیبی که ۲۴ سال در این مملکت با وفاداری طبابت کرده، برای روستاها کار بهداشتی انجام نشده حتی بد اقل که اشاره کردم به بیمارستانها و درمانگاهها و آمبولانسها که در تهران هست اشاره کردم بنظر میرسد رفع احتیاج میکند ولی مردم، در روستاها از خدمات درمانی استفاده نمیکند حتی بد اقل حتی باندازه احتیاجات خیلی خیلی کوچک در تمام منطقه من که ۲۰۰ هزار جمعیت دارد درمانگاه دوتا هست شاید هر صد هزار نفر از یک درمانگاه استفاده میکنند آنهم درمانگاهی که بمعنای واقعی درمانگاه نیست، الان کچلی در استان خراسان و آملاریاد رجنوب زیاد است بهداشت در سطح شهرستانها و بخصوص روستاها وجود ندارد - جناب وزیر هم آهنگ و همکاسه کردن امر بهداشت و درمان در مملکت ضروری است این همکاسه کردن هم از نظر طبیب لازم است هم از نظر بیمار، از نظر طبیب یک بام و دو هوا نمیتوانم بگویم، باید بگویم یک بام و چند هوا پزشک خدمتگذار خدمات درمانی یک حقوق میگیرد طبیب شیر و خورشید یک حقوق میگیرد طبیب سازمان شاهنشاهی هم یک حقوق، ویزیت نامشخص است یکی در تهران ... تومان و دیگری ده تومان آنهایی که ویزیت ... تومان میگیرند همان‌هایی هستند که دولت کمکشان کرده است دولت به آنها وام داد بیمارستانهای شمال شهر را درست کردند و امروز هم با اینکه تعهد و قول داده‌اند به خدمات درمانی کمک کنند بیماران خدمات درمانی را نمی‌پذیرند ولی ویزیتشان تا ... تومان ترقی کرده است اینها وام از دولت گرفته‌اند ولی خدماتشان برای جیب خودشان است (صحیح است) من از کسی دفاع نمیکم ولی طبیب ایرانی زحمتکش است عده معدودی که شاید از انگشتان دست هم تجاوز نکنند آبروی اطباء را از بین ببرند خواندم که باز هم به اطباء وام میدهند جلو این وامها را در تهران بگیرد (دکتر صدیق اسفندیاری - اسم خودتان را هم اضافه کنید) ما از وام دادن به مؤسسات بهداشتی و درمانی خاطره خوشی نداریم به چه کسانی میخواهید وام‌ها را بدهید دیروز این را نوشته بود. اول وامهایی را که داده‌اید زنده کنید و وام را دیگر به تهران ندهید وامها

را به آن شهرستانی که ه طبیب در گوشه و کنارش با مشقت زندگی میکنند بدهید باز هم روزنامه بکشید رستاخیز با تیر بزرگ نوشته بود دولت کویت میخواهد از ایران سیصد پزشک و ... پرستار استخدام کند و قریباً هم وزیر بهداری آنجا بتهران خواهد آمد کدام پزشک و پرستار؟ شهرستانهای ما خودشان بیشتر از همه به پزشک و پرستار احتیاج دارند و اگر قرار است دولت کویت اینها را استخدام کند خودتان استخدام کنید ببینید آنها به چه شرایطی اینها را استخدام می‌کنند شما با شرایط بهتر استخدامشان کنید پزشک ایرانی که میخواهد برای کویت خدمت کند و آنجا خدمات پزشکی عرضه کند در ایران ارزاتر و صادقانه‌تر و بهتر میتواند خدمت انجام دهد، ببینید اینها کی هستند خودتان استخدامشان کنید چرا می‌گذارید پزشک از کشور بیرون حتماً غلنی است و عاملی هست جلوی او را بگیرد اگر در رفاه نیستند وسیله رفاهشان را آماده کنید اگر عامل دیگر هست از بین ببرید. پزشک ایرانی که در ایران تحصیل کرده باید در ایران انجام وظیفه کند، هزینه تحصیل او را داده اید باید در اینجا خدمت کند بنابراین خودتان او را استخدام کنید این وسیله رفاه را خودتان در اختیارش بگذارید، نگذارید پزشک ایرانی از اینجا بیرون در شهرستان قوچان یک پرستار، یک تکنیسین رادیولوژی یک تکنیسین آزمایشگاه نداریم آنوقت دولت کویت میخواهد ... پزشک را از ایران ببرد.

باز هم ناچارم از نظر اینکه صادقانه آنچه را که لازم است بعرض برسانم اشاره به سازمان نظام پزشکی بکنم سازمانی قانونی و در جهت خیر و صلاح طبیب و بیمار گروهی پزشک مورد اعتماد جامعه پزشکی ایران صادقانه صمیمانه و دلسوزانه در رفع مشکل طبیب و بیمار خدمات ارزنده انجام میدهند بخصوص از نظر رفاه و رضایت بیمار صادقانه عمل کرده است در دادگاههای مختلف آن از تخلف هر یک چشم‌پوشی نمیشود در مورد مؤسسات مختلف پزشکی هوشیارانه عمل میکنند بیماری را نداریم که سازمان نظام پزشکی مراجعه کرده باشد و از این سازمان ناامید برگشته باشد، افراد خدمتگزار این سازمان را اداره میکنند من از جناب وزیر بهداری خواهش میکنم این سازمان را تقویت کنند و بعنوان یک همکار از ایشان تقاضا میکنم که سازمان نظام پزشکی را که مورد اعتماد مردم و تمام پزشکان است تقویت و حفظ کنند و آنچه را که در جهت تقویت

بیشتر آن لازمست انجام دهند لازم است از نظر اینکه کارش را بهتر و راحت تر انجام بدهد و در خاتمه عرایض استدعا میکنم همانطور که جناب دکتر آموزگار تا حال ثابت کرده اند و در برنامه شان هم بصراحت و صداقت اشاره فرمودند، این صراحت و صداقت را بجامعه ایرانی و به عموم مردم ایران ویداخل مردم ایران بکشند، مردم تشنه صداقت و عاشق صراحت هستند وقتی خطای کوچکی از یک فرد دیده میشود، دزدی کوچکی انجام میگردد ضرب و جرح کوچکی انجام میگردد اگر کسی خلاف کوچکی میکند مردم از خلاف و جرمه آن آگاه میشوند مثلاً میدانند فلانکس دزدی کرده و یکماه زندانش کرده اند، فلانکس جرم کرده، خلاف کرده پانصد تومان جرمه اش کردند این صراحت و صداقت باید بیدمان مردم کشیده شود وسایل ارتباط جمعی امروز در دسترس عموم هست همه مردم روزنامه میخوانند، همه مردم رادیو گوش میدهند وقتی صحبت از خطائی در سطح بالا میشود وقتی صحبت از دزدی و فساد میشود وقتی که روزنامه ها با تیترهای بزرگ از میلیونها تومان دزدی صحبت میکنند آنچه حقیقت است ب مردم بگوئید اگر گفتید مردم راضی خواهند بود، شایعه پردازی پروبال گرفتن و نصح گرفتن موضوع و شاخ و برگ دادن آنچه که اتفاق افتاده است از بین می رود بخصوص اینکه مردم آنچه را که حقیقت است باورشان میشود و اگر این صراحت و صداقت حقیقتاً جامه عمل بپوشد مطمئناً مردم در آینده ناظر خواهند بود بر اینکه مجرمین در هر شکل و هر لباسی و هر مقامی که هستند بآنها معرفی میشوند هم جرمشان و بخصوص جرمه ای که باین جرم تعلق میگردد اگر دزدی کرد چه کارش کردید این همه متخلف و دزد چه جرمه ای پرداختند، آنتهایی که سهل انگاری کرده اند چه جرمه ای پرداختند لگر چنین باشد بی قیدی، طمع و سهل انگاری بآنجا خواهد کشید که موجب انزجار شاهنشاه محبوب ما بشود این افراد را چکار کردید، این سهل انگاری نیست این خیانت است اگر صراحت و صداقت حقیقتاً از این بعد باشد مردم از همه چیز مطمئن خواهند شد آنها خواهند دانست که هر کس خطا کرد، هر کس جرم کرد، هر کس سهل انگاری را بعد اکثر رسانید به دادگاه کشانده شده و ب مردم شناسانده خواهد شد با این پایه های محکم و با این زیربناهائی که جنابعالی در برنامه تان گذاشته اید و به آن تکیه کرده اید - آرزو میکنم همانطور که تا حالا موفق بودید باز هم ما ناظر موفقیت خیلی، خیلی روشنتر و بهتر شما باشیم. عرض دیگری ندارم (احسنت)

رئیس - آقای دکتر طیب بفرمائید.

دکتر حسین طیب - جناب آقای رئیس - همکاران ارجمند آنچه که امروز در پیشگاه مجلس شورای ملی مطرح است برنامه دولت جدید میباشد.

در لابلای برگ های دفتر برنامه دولت به اصطلاحات و عبارات هائی برخورد می کنیم که بیانگر خون نو و تحرك جدید و آرایش های تازه ای است که عمل سیاسی جدیدی را آغاز می نماید.

با توجه به خوشنامی و اشتها جناب دکتر آموزگار به صحت عمل، صداقت و صراحت و هوشمندی در جامعه امید است که ایشان و همکارانشان در تمام طول خدمت پشوانه روز افزون و نیرومندی از اعتماد و امیدواری جامعه و در نتیجه رضایت و خشنودی شاهنشاه رابه همراه داشته باشد.

بهمین منظور بحث در برنامه دولت فرصت مناسبی است برای بیان و انتظار جامعه و شناخت مسائلی که در پیرامون ما وجود دارد.

در سایه مشارکت و آزادی ملی نه تنها از شناسائی مسائل مملکت با کوه راس نداریم و از آن استقبال می نمائیم بلکه بیشتر از آن روی گردان خواهیم بود که مبادا تضائی بوجود بیاید که مسائل و مشکلات مملکت ناشناخته بماند.

شناخت مشکلات و آگاهی از مسائل که خوشبختانه در مقدمه برنامه تقدیمی دولت به آگاهی از آن ها اشاره شده اولین مرحله چاره جوئی و سازندگی است. کتمان حقایق، سکوت و بی تفاوتی عیب هارا ابدی می سازد.

مشارکت فزاینده عنصر امیدبخشی است که نیروهای مورد نظر تازه و سرشار از تحرك را برای پیشرفت های حقیقی و درون زا و متداوم سازمان میدهد.

نارسائی های دستگاه های اجرائی باعث نارضائیهای جامعه است و نارضائی زمینه رشد میکرب هائی است که موجودیت ملی را آسیب پذیر می سازد.

زیرادر تمام عالم موجودیتی نیست که دشمن در کمین نداشته باشد.

شاهنشاه در شرفیابی یکشنبه شانزدهم مردادماه دولت جدید با اشاره به ۷۲ سال تجربه تاریخ معاصر موضع ایران را در جهان ملت ها و هوسهای استعماری جهان خواران شرق و غرب، شمال و جنوب، چپ و راست، نو و کهنه توجیه فرمودند. اگر این سوابق و تکرار مکررات تاریخی را در محاسبات خودمان ننگنایم اهل این دنیا نخواهیم بود.

دولت اتحاد ملی براساس رستاخیز - یکپارچگی - و آگاهی ملی موضع منطقی ایران برای بی اثر ساختن دسیسه های بشمار و تجزیه طلبانه ای است که همیشه وجود داشته و باز هم وجود خواهد داشت.

در تغییر دولت آنچه که مورد توجه عمیق جامعه است خود تغییرات نیست بلکه محتوای تغییرات و افزایش آسیب ناپذیری ملی مورد انتظار است. ما هفت خوانی از مسائل گوناگون داریم که باید خودمان آنها را حل کنیم.

سیاست مستقل ملی به پشوانه ای از خود کفائی در امر تولید کشاورزی اتکاء به صنایع و تکنولوژی ایرانی نیاز دارد.

شانزده میلیارد واردات در برابر نیم میلیارد صادرات پذیرفتنی نیست - وهشدار با اهمیت و آموزنده است مسئله مسکن از مشکلات غیر قابل تحمل اجتماع امروز است مشکل مسکن مشکل گروه خاص نیست هیچ درآمد شروعی امروز نمی تواند خودش را با آن منطبق بسازد.

قیمت معقول مسکن اگر واسطه بازی - زمین خواری و بازارهای سیاه گوناگون حذف شود درصد متناسب و قابل تحملی از درآمد هر خانواده ایرانی خواهد بود که روی خیلی چیزها و روابط اجتماعی و سالم سازی فضای اداری مملکت اثر مثبت خواهد گذاشت.

اعلام اصل هیجدهم انقلاب و تثبیت نسبی بهای زمین که از اصلی ترین عناصر ناموجه بالا رفتن هزینه مسکن و تخریب مبانی اقتصاد ملی است به موفقیت برنامه دولت درین زمینه کمک خواهد نمود.

موفقیت دولت درین باره با اتخاذ تدابیر و اجرای سیاست هائی از قبیل برقراری مالیات تصاعدی بر اراضی بایر - در مهلت زمان بندی شده معین ضابطه ای است برای ارزش بایی برنامه ای که اینک مطرح است.

اشاره شاهنشاه در بی همین موضوع به بخش خصوصی روشنگر سیاسی است که باید در پیش گرفته شود. (اگر بخش خصوصی باقیمت معقول کارش را انجام بدهد فیها و در غیر اینصورت دولت باید نظارت کند) بالاخره باید حد و مرز حمایت از بخش خصوصی معلوم باشد.

اگر بخش خصوصی نتواند خودش را با جنان اصول و سیاست هائی منطبق بسازد وظیفه دولت است که با اعمال مدیریت درست در بخش عمومی که ناظر بر حفظ و صیانت از منافع ملی است الگوهای سالم و قابل تقلیدی

را بوجود بیاورد تا بخش خصوصی ناگزیر از رعایت ضوابط آن باشد.

درباره تورم: با تنوع ساختن و بالابردن مرغوبیت صادقاته و افزایش تولیدات داخلی خواهیم توانست از هجوم آن به مرزهای اقتصادی خودمان تا حد قابل توجهی جلوگیری بنمائیم و این کاری است که حتما باید بشود زیرا از پشوانه های سیاست مستقل ملی ایران است.

و اما تورم ساختگی داخلی حساب آن ارتباطی با مسائل اقتصادی ندارد و مربوط می شود به بازار سیاه که بوده های ساختگی - گروهی شیباد و محترکه که قانون باید تکلیف آنها را روشن بسازد.

تبلیغات تجارتي نامتناسب و اغراق آمیز رابطه سالم تولید کننده و مصرف کننده را از بین می برد و جایگزین مرغوبیت و حسن شهرت کالا می شود من فکر می کنم اندیشیدن درین باره نه تنها از مصرف و اسراف جوئیهای ناموجه جلوگیری خواهد کرد بلکه در انضباط کار و بالابردن مرغوبیت و حسن شهرت واقعی تولیدات داخلی و قابل رقابت ساختن آنها در بازارهای جهانی که هدف های اقتصاد ملی است مؤثر خواهد بود.

در مورد تشویق و تجهیز پس انداز و ایجاد امکانات بیشتر برای سرمایه گذاری که از سیاست های اقتصادی برنامه دولت است مادام که تورم بانرخ بالا وجود دارد و قدرت خرید پول کاهش پیدامی نماید انگیزه جالبی برای پس انداز وجود نخواهد داشت و هجوم به بازار مصرف پدیده های زنجیره ای توری جدیدی را باعث خواهد گردید بجاست که نوعی پس انداز با تضمین قدرت خرید مبلغ پس انداز شده حتی ب بهره کم مورد بررسی قرار بگیرد که بصورت آزمایشی در زمان معین ب جریان گذاشته شود.

چه بسا که این تدبیر کمک به حل مسئله زمین و مسکن هم بنماید زیرا بیشترین انگیزه احتکار مسکن و زمین بازی در حال حاضر عکس العملی برای حفظ قدرت خرید پول است - علاوه بر این اسراف جوئی در مصرف غیر لازم و تورم را هم مهار خواهد کرد.

آموزش کاملاً رایگان کلید راه یابی و بسیج نزدیک به نیمی از جمعیت ایران است که در سنین کمتر از ۱۶ سالگی قرار دارند که بازار کار آینده ایران در انتظار آنان است آموزش کاملاً رایگان تضمین کننده دموکراسی اقتصادی و توزیع عادلانه ثروت ملی در جامعه ایران است آموزش کاملاً رایگان منطبق با سیاستی است که در

مقدمه برنامه دولت به آن بنام شرایط اعطای فرصت‌های برابر بهمه استعدادها و تجهیزات کلیه منابع انسانی و فربه‌ها و توانائی‌های فردی تأکید گردیده.

آموزش کاملاً رایگان هدیه شاهنشاه به ملت ایران است که بر مسئولان آموزش پرورش کشور است تا کیفیت آنرا روز بروز ارتقاء بیشتری به بخشد. با استقرار نظام نظارت و انضباط ملی و توزیع عادلانه درآمدها و مبارزه با فساد و سوء استفاده چنان درآمدهائی هم وجود نخواهد داشت که به عنوان مختلف خدمات جنبی یا غیر جنبی کیسه‌هائی دوخته بشود مگر برای گروه کسانی که حاضر به قبول زندگی سالم اقتصادی و کسب درآمد معقول نباشند که درین صورت درست نخواهد بود که فرزندان این گروه چنان پاداشی را دریافت نمایند که سایر گروه‌های سالم و شرافتمند در امر آموزش از آن بی بهره باشند.

درباره نظام هماهنگ کننده برنامه‌ریزی به چنان نظامی نیاز داریم که در اضطراری‌ترین حالت‌ها بدون کمترین آسیب پذیری سازندگی ملی ادامه بیاید هیچ تضمینی وجود ندارد که شرایط ناخواسته‌ای بما تحمیل نگردد از هم اکنون باید خود را آماده بسازیم تا در برابر دسیسه‌های همیشگی و پایان‌ناپذیر در هر زمینه مقاوم و رخنه‌ناپذیر باشیم - ماجرای خاموشی‌های برق هشدار عبرت‌آموزی است.

درس رضا شاه بزرگ را در آغاز سالهای زمامداری بیاد بیاوریم که با طرفیان فرمودند:

بیگانه کارش معلوم است هرگز دایه دلسوزتر از مناد نیست شما باید تکلیف خودتان را روشن بسازید.

در کشور ایران که آب مسئله همیشگی است با سدهائی که عمر مفید آنها بعلا رسوب فراوان کوتاه می‌باشد تکیه بر نیروگاه‌های آبی تا چه حد منطقی است؟

آیا تکیه و اعتماد کامل به خط انتقال سرتاسری نیرو در کشور کوهستانی ایران و راههای صعب‌العبور با ضایعات فراوان انرژی و حوادث بیشمار مغایر با الزامات امنیت ملی نیست؟

در همین زمینه اتکاء برنامه آب رسانی بوشهر و پایگاه‌ها و تأسیسات بندری به تکنولوژی شیرین کردن آب شور دریا از طریق نیروگاه هسته‌ای و جایگزین ساختن آن با انتقال مطمئن آب از رودخانه کارون تا چه اندازه آینده نگری در برنامه‌ریزی را در بر دارد؟

اگر برنامه تبدیل انرژی حرارتی مصارف خانگی

به نیروی برق انجام گرفته بود و مؤسسات سوخت رسانی شهری را مثل ژنراتورهای مؤسسات تولیدی و خدماتی تعطیل کرده بودند امروز باجه آشفتگی‌های دیگری روبرو بودیم؟ و اگر صنایع و صادرات نفت به شکله برق سرتاسری پیوسته بود؟ چه مسائلی را بوجود می‌آورد و خیلی مواد دیگری که در برنامه دولت به آن اشاره شده نیازمند به روحیه‌ها و طرز تفکرها و برداشت‌های دیگری است غیر از آنچه که امروز در گذشته وجود داشت. باید دید و روحیه‌ای در چارچوب حفظ کل موجودیت ملی وجود داشته باشد نه ارقام نمایشی اصلی‌ترین مسئله چیست درین جا تکیه من روی موارد یاد شده قابل لمس و فیزیکی نیست زیرا موضوع‌ها هستند که موردها را بوجود می‌آورند.

موضوع مهم زمینه فرهنگی و روحی و اعتقادی است که در جامعه وجود دارد جای بسی خوشوقتی است در برنامه دولت به فرهنگ یعنی روح و بزرگترین سرمایه معنوی ملت ایران تأکید شده. صمیمانه و از دل و جان آرزوی موفقیت آنرا دارم.

سه هزار و پانصد و اندی میلیارد ریال ارقام نجومی درآمد ملی کشش عظیمی برای مکس‌ها و حشراتی است که بر اساس طبیعت خودشان همیشه گرد شیرینی در پروازند.

جاذبه نیرومند و مقابلی از اعتقاد و ایمان به منافع ملی و پای بند بودن به آن می‌خواهد تا در برابر وسوسه این کشش‌ها تسلیم نگردد.

وطن پرستی یعنی وجود این جاذبه نیرومند به فرهنگ ملی به ایمان و اعتقاد به منافع همگانی و نظم ملی.

هرچه این جاذبه در برابر وسوسه کشش‌های دیگر نیرومندتر و تسلیم‌ناپذیرتر باشد بهمان نسبت مینهن پرستی بزرگ تر خواهد بود.

دوباره سازی چنین روحیه و تحکیم مبانی ایمان و اعتقاد ملی اصلی‌ترین کاری است که باید انجام بگیرد وقتی حرف مردم را گوش بدهیم و موارد موردشکایت آنانرا مثل پزشکی که شرح حال و شکایت‌های مریض را می‌شنود بررسی کنیم بی‌موضوع اصلی و ایجاد کننده موارد بی‌شمار می‌بریم.

جامعه هم مثل انسان بی‌مغز می‌شود شاهنشاه خیلی عمیق چند سال گذشته این مطلب را هشدار دادند.

تمدن امروز به عنصر کثرت بیش از کیفیت توجه دارد آن فریاد مقدس که در صدها سال پیش بانگ برآورد

آنکه رفتار و گفتارشان تابع شیوهای تاکتیکی آنان باشد. زیرکانه نیافه عوض نمایند و همیشه کاتولیک تراز پاپ خود را نشان بدهند آنها تکیه دل و دست و زبانشان با هم یکی باشد که از دیرباز در فرهنگ شکوهند ایران بنام اندیشه گفتار و کردار نیک شناخته شده است. انگیزه تنگنا را بیشتر و بیشتر از آنکه جنبه فیزیکی و قابل لمس داشته باشد. در فضای تهی از روحیه و اعتقاداتی که باید وجود داشته باشد جستجو نماییم.

اکنون این سؤال پیش می‌آید روحیه ایرا که به آن نیاز داریم چگونه بسازیم؟

باید بگوییم دوباره سازی روحیه و تحکیم ایمان و اعتقاد سالم‌سازی نسج پیوندی جامعه است. زیرا که اعتقاد است که افراد خوب را در جامعه بهم پیوند میدهد و به مشارکت واقعی معنی میدهد پس بهتر است سؤال خود را این طور طرح کنیم که چطور میشود جلوی تخریب روحیه (یعنی نسج پیوندی جامعه) را بگیریم؟ در این صورت مانند بسیاری از قوانین زیست‌شناسی ترمیم و بازسازی آن صورت خواهد گرفت.

یک چیزهائی باید بشود تا روحیه و اعتقاد و باور در جامعه ضعیف و بدون فروغ بشود و یا از بین برود. دروغ‌گوییان سیاست باز ایمان و اعتقاد جامعه را تباہ می‌سازند. (احسن‌ت)

۳ - تعیین موقع جلسه آینده - ختم جلسه

رئیس - آقای دکتر طیب وقت این جلسه تمام شده است بقیه مطالبان را در جلسه آینده بفرمائید، با اجازه خانها و آقایان این جلسه را ختم میکنیم، جلسه آینده ساعت ۹ صبح روز پنجشنبه خواهد بود.

(جلسه ساعت یک بعد از ظهر پایان یافت)

رئیس مجلس شورای ملی - عبدالله ریاضی

تن آدمی شریف است به جان آدمیت باید جهان امروز را بیدار کند این بلیه همگانی جهان امروز است که بما هم سرایت کرده لازم است پیش از آنکه بیشتر غرق و اسیر تکنولوژی بدون هدف و رشد مطلق اقتصادی بشویم در پرتو فرهنگ و هویت ملی به دوباره سازی روحیه و شخصیت انسان توجه بنیادی و عمیق بنماییم.

تجاوزات شرم آور ننگین و تکان دهنده درجاده‌ها و قلب و خرید و فروش سوالات امتحانی بازارهای سیاه گوناگون فساد و رشوه‌گیری تبعیض و خیانت در بیت‌المال و موارد دیگر همه بیان کننده موضوع یک بیماری اجتماعی هستند که مجموع موارد ناشی از آنست: این بیماری روحیه منفی است که در جائیکه ایمان و اعتقاد نباشد شکل می‌گیرد.

روحیه منفی یعنی انکار وجود دیگران یعنی انکار نظم و وظیفه در اجتماع، روحیه منفی یعنی از خود راضی بودن - همیشه طلبکار بودن - همه چیز را خواستن و هیچ چیز را ندادن. نیروی جامعه بجای آنکه با هم جمع بشود از هم کم می‌شود آنچه که باقی می‌ماند مجموع نیروها نیست بلکه باقی مانده فرسوده شده و خسته و درمانده نیروهائی است که از یکدیگر کم شده‌اند. از روحیه منفی فقط دشمنان ایران بهره می‌گیرند این درست ضد آن چیزی است که بنام رستاخیز - یکپارچگی - واتحاد ملی - آرمان ملی همه ماست. تاهنگامی که به دوباره سازی روحیه انسان نپردازیم روحیه منفی عوارض فراوان خودش را نشان خواهد داد.

کار بزرگی که در پیش داریم باید دوباره سازی روحیه و نیرومند ساختن طبیعت‌هائی باشد که به آنها نیاز داریم.

روحیه سازنده با ایمان و اعتقاد اول به این مملکت چیزی را بدهند تا چیزی را سپس بخواهند. یعنی آنها تکیه به آنچه می‌گویند و انجام میدهند اعتقاد داشته باشند نه